

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ،
دروا خدا بسوی تحمل مما شب و سختیها ،
بِإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

● راه حل آمریکا در منطقه

● جنگ چریکی در

خلیج فارس

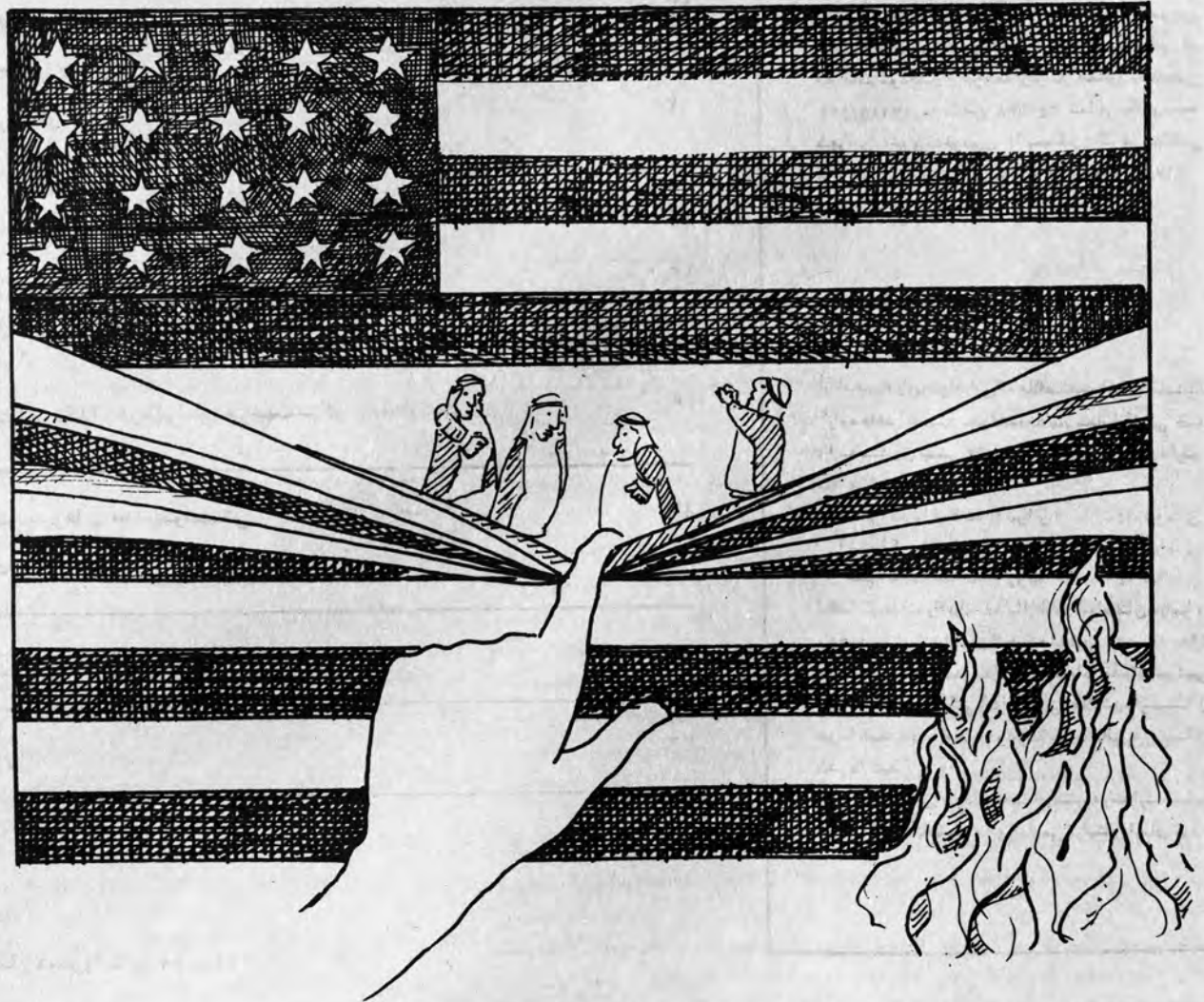
● آیت الله منتظری

و کتاب خاطرات سیاسی

● قیام انتفاضه و وحدت

نیروهای ضد صهیونیستی

راه مجاهد



شماره ۱۱، ۳۱۰۴

تاریخ ۲۸ - ۴ - ۵۸
پست



آی لطف الله میثمی
مساب اخبار نشریه راه مجاهد
سلام طبکم

با زنگنه به نامه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۱ مبنی بر اطلاع آقایان بالاین چه به مطبوعات
صوب اسفندماه ۱۳۶۲ به اطلاع رسانند بنظر اجرای ماده ۱۷ این مذکور
اطلاعی نماند. در مرحله مورخ ۱۳۶۸/۲/۵ همانند نظارت بر مطبوعات مورد رسیدگی
قرار گرفته و داده انتشار آن نشریه بلا مانع اعلام کرده

مهراب اکبریان
سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات
۲۸/۴/۵۸

راه مجاهد

زیر نظر شورای نویسندگان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول مهندس لطف الله میثمی
روش: سیاسی ایدئولوژیک-جانب: رودکی
آدرس: توجه شود که راه مجاهد بعلمت کمیو دامکانات
دفتر نداشته و محل مسکونی زیر، آدرس مدیر
مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون
مطبوعات و مراجع وزارت ارشاد معرفی میگردد.
تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی
۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۲۵۶۸ تماس بگیرد
تهران، خری، خروزی (آبمنگل)، ک قاسم گلی
ک اخوان طباطبائی پ ۲۶- ط دوم کد ۱۱۷۵۶

نحوه اشتراك

از کلبه برادران و خواهرانی که علاقمند به اشتراک باشند
"راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تمایل کتبی خود
را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند.
بهای اشتراک:

- اشتراک سالانه (ایران) ۱۵۰ تومان
 - اشتراک سالانه (امریکا) ۴۰۰ تومان
 - اشتراک سالانه (اروپا) ۳۵۰ تومان
- لطفاً وجه اشتراک را شخصاً یا از طریق آشنایان در ایران
به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹
بانک صادرات شعبه میدان قیام به نام لطف الله میثمی
حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال
فرمائید. لطفاً وجوه خود را با پست مالی ارسال
نفرمائید.
- کسانی که توان پرداخت بهای نشریه را ندارند، با ما
مکاتبه کنند تا نشریه بطور امانتی برایشان ارسال شود.

۳	● اسلام آمریکا بی، راه حل آمریکا در منطقه
۵	● جنگ جریکی در خلیج فارس
۸	● آیت الله منتظری و کتاب خاطرات سیاسی
۱۰	● اخلاق انقلاب
● خبرنامه استراتژیک	
۱۱	● اخبار جنگ و صلح
	● اخبار مجلس: قسمتها بی از نطق آقایان
۱۲	● جبهه اسلام محتشمی
۱۲	● حائری زاده
۱۲	● فرزاد
۱۳	● یوسف پور
۱۳	● حسینی نجفی
۱۳	● توحیدی
۱۳	● قاسمی
۱۴	● نجفقلی حبیبی
۱۴	● اصغر زاده
۱۶	● نهضت آزادی خطرناکتر از منافقین است!؟
۱۶	● حمایت آمریکا از هر حکومتی در جهت سرکوب ملت است.
۱۷	● قیام انتفاضه و وحدت نیروهای ضد صهیونیستی مصاحبه با یاسر عرفات
۲۱	● پاسخ به خوانندگان
۲۲	● فهرست کتب قابل ارائه

از دستا بین طبقات خا رچ شده وانقلابيون قدرت بگیرند، نقاب دموکراسی را کنار زده و چهره واقعی سرکوبگر خود را نشان می دهد.

در مورد دکتر مصدق در ایران، آئینده در شیلی، ساندنیستهای نیکاراگوئه، لبنان و... شاه بودیم که دموکراسی را چگونه زیر پا گذاشت، چرا که با رادیکالیسم مواجه بود.

حکومت مصدق علیرغم بشتوانه مردمی اش، چون حاضر نشد تسلیم فشا را بر قدرتتها و دست کشیدن از استقلال و آزادی های سیاسی واجتماعی بشود با یک توطئه مشترک کودتا توسط آمریکا و انگلیس ساقط شد. آمریکا طی حیات ۲۸ ماهه حکومت مصدق دائماً آشکارا به او هتاهرمی داد که آزادی های سیاسی واجتماعی موجب گسترش حزب توده و کمونیستها شده است. آمریکا مایل بود که مصدق از ارزشهای مصرح در قانون اساسی انقلاب مشروطیت دست بردارد.

ساندننیستها علیرغم اینکه توسط اکثریت مردم کشورشان حمایت می شدند. طی ده سال زبردیدترین فشا رها و محاصره های اقتصادی و نظامی و حمایت فعال از تروریسم کنتراها از سوی آمریکا و متحدانش قرار گرفتند. و در یک "استراتژی جنگ خفیفاً از سوی آنها دچار بحران ها و معضلاتی شدند که با لخره به کناره گیری ساندنیستها از حاکمیت انجامید. (به معرفی کتاب "جنگ رؤیاها" درباره استراتژی جنگ خفیف در راه مجاهد شماره ۵۸ مراجعه کنید.)

در لبنان نیز با اینکه اکثریت با مسلمانان است، آمریکا و غرب هرگز حاضر نشدند از حمایت یک اقلیت مارونی دست برداشته و حاکمیت اکثریت مسلمان آن کشور را به دلیل روحه انقلابی و ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی آنها بپذیرند. در کویت به دلیل زمینه های گرایش به انقلاب اسلامی مجلس ملی کویت را منحل کردند. در ترکیه همزمان با اوگیری انقلاب در منطقه، دیکتاتوری نظامی را حاکم نمودند و در بحران اخیر در خلیج فارس در ترکیه که سنت پارلمانی قوی است و نمی توانستند پارلمان را منحل کنند، اوزال از پارلمان اختیارات تام گرفت، تا هرکجای دنیا بخواد هر سربازان ترکیه را اعزام نماید. در پاکستان نیز "بنظیر بوتو" را عزل، پارلمان را منحل و در انتخابات جدید بافت متمایل به عربستان را حاکم نمودند. بطوری که نواز شریف در اولین دیدار رسمی اش به ملاقات بوش در عربستان رفت. در ژاپن برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، قانون اساسی یعنی بافت داخلی آن کشور را تغییر داد تا بتواند به منطقه خلیج فارس نیرو اعزام

کند اما مخمینی (ره) و نیروهای انقلاب با اقداماتی که بعداً انجام دادند به این امیدا میریالیسم ضربه های بیسی را وارد کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و افزایش بهای نفت، خط غرب در منطقه این بود که رژیم های وابسته نظیر عربستان، کویت و... را تشویق کند تا برای جلوگیری از گسترش انقلاب، درآمد سرشار خود از نفت را صرف دادن رفاه در کشورها بشان نمایند. بدین وسیله یک چنین طبقه ای از نظر غربی ها به دلیل رفاهشان می توانست کمربند امنیتی مطلوبی در مقابل امواج انقلاب اسلامی ایجاد کند. (برای تحقیق بیشتر پیرامون خط میانه و طبقه متوسط به مقالات راه مجاهد: "رشد نهضت اسلامی لبنان و خط میانه شماره ۲۲ - آمریکا و خط میانه شماره ۲۶ - قرآن خط عدل، آمریکا خط میانه شماره ۲۹ - سه خط مشی آمریکا در مبارزه با چریک شماره ۳۷ مراجعه نمائید.)

● رشد طبقه مادیون متوسط

به دنبال قیام ۳۰م تیر ۱۳۳۱ و ۱۵ خرداد ۴۲ و مبارزات پس از آن و نیز بر اثر وقوع انقلاب اسلامی و کوران مبارزه و خون و شهادت علیه نظام سلطنتی و مستشاران آمریکایی، اسرائیلی و انگلیسی و علیه فساد و کم و همچنین جنگ تحمیلی که توسط امپریالیسم برافروخته شد و نقشی که حرکت انقلابی تصرف لانه جاسوسی در بسیج مردم داشت، به تدریج یک طبقه مادیون متوسط در ایران هویت مشخص تری به خود گرفت.

رزمندگان، طلبه های جان به کف، دانشجویان مبارز، شاگردبازاری ها، دهقانان، کارگران، دانش آموزان و... با ویژگی آرمانخواهی، ایثارگری، ساده زیستی و... طبقه ای را به وجود آوردند و هویت برجسته ای پیدا کردند. که با تحلیل غرب از طبقه متوسط مورد نظرش مطابقت نداشت.

● دموکراسی برای طبقه متوسط
آمریکا همیشه دموکراسی را برای طبقه متوسط و سرمایه داری وابسته می خواهد. هر جا که حاکمیت و اکثریت

آمریکایی را آشکارا تبلیغ می نمود و در صدر برنامه هایش قرار داشت. آنها از این طریق میخواستند ولاً به پایگاههای گسترده اقتصادی و بازاری وسیع جهانی دست پیدا کنند. ثانیاً بدین وسیله ارزشها، فرهنگ و روش زندگی آمریکایی را به سایر کشورها ما در کنند. با بد توجه داشت که ۷۰٪ مردم آمریکا طبقه متوسط هستند و دولت آمریکا سعی می کند بافت طبقاتی خود را الگوی مطلوب طبقات متوسط در سایر کشورها جهان قرار

جریان اسلام آمریکایی با شیوه هایی که در حمایت از سرکوب و استثمار دارد، موجب انزجار مردم گردیده و به تدریج جا صعه را به سوی یک حکومت غیر مذهبی سوق خواهد داد...

اسلام آمریکایی

(راه حل آمریکا برای منطقه)

دهد. استراتژی گسترش طبقه متوسط و صدور ارزشها و فرهنگ غرب امروزه از طرف تمام کشورهای غربی دنبال می شود؛ و اندیشمندان و فلاسفه غرب نیز از آن حمایت می کنند. ارسطو بنیادگذار فلسفه و منطق غرب هم بهترین نوع حکومت را حاکمیت طبقه متوسط می داند. تا از این طریق مانع شورهای طبقات پایین جامعه گردد.

پرویز نابتی یکی از رهبران ساواک در رژیم شاه به مبارزین می گفت: "در ایران ۴۰۰ هزار بیگان سوار وجود دارد. (منظورش گسترش طبقه متوسط بود) آیا شما می خواهید علیه این طبقه قیام کنید؟ اینها خودشان شما را خفه خواهند کرد. یعنی رژیم های وابسته نیز امنیت و ثبات خود را در گرو گسترش چنین طبقه ای می دانستند.

در آستانه پیروزی انقلاب، آمریکا در مقابل فشا را انقلاب اسلامی از خود انعطاف نشان داد و دست به عقب نشینی زد و آزادی ها دفاع کرد. زیرا طبقه متوسط گسترش چشمگیری پیدا کرده بود و برای غرب نسبت به روند آینه شده تحولات نقاط امیدی وجود داشت. هر چند

انگیزه ما از این مقاله ولاً بررسی بحران امپریالیسم، ثانیاً راه حل آمریکا برای این بحران، ثالثاً از همه مهمتر نشان دادن رشد و گسترش روحیه انقلابی و روشنگری در منطقه و رابعاً راه حل ما برای بهترین برخورد با این موقعیت است.

امپریالیسم جهانی و بحران موجود

● آمریکا و خط مشی گسترش طبقه متوسط

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خط مشی آمریکا در ایران این بود که درآمد نفت صرف ایجاد گسترش طبقه متوسط و خط میانه بشود. طبقه مرفهیی که نیا زها و رفاه خود را در سایه رابطه با غرب دیده و تحت تأثیر فرهنگ، تمدن و شیوه زندگی غربی است.

این امر اختصاص به ایران نداشت. کلاً استراتژی آمریکا در برخورد با کشورهای این بود که طبقه سازی کنند. برنانه های ۵ ساله ۷۰ ساله... با توسعه اقتصادی کشورها به سبک آمریکایی آن معمولاً از این مقوله اند. در واقع تحقق ایدئولوژی آمریکایی تعمیم طبقه متوسط در سطح جهان و دموکراسی برای این طبقه است. ریگان در دوران زمانه مداریش برای مقابله و مهار کردن انقلاب اسلامی این ایدئولوژی

دارند. همچنین در مصر به دستور حسنی مبارک پارلمان فرمایشی را منحل و پارلمان فرمایشی تری تشکیل شد. بحران جدی و بزرگ آمریکا امروز این است که با ظهور یک طبقه مادیون متوسط در برتو امواج انقلابی در میان مسلمانان ورشداگانه و رادیکالیسم در منطقه، و با وجود حدود ۱۶۰ هزار شهید و ۳۰۰ هزار راجانینا در جنگ تحمیلی، دیگر نمی‌تواند شعاع ردمکراسی بدهد. چون دموکراسی را برای طبقات طرفدار غرب می‌خواهد نه توده‌های بیدار. در این مقطع اگر بخواهد دموکراسی بدهد بیم دارد که همین مادیون متوسط‌ها حاکم بشوند.

بحران غرب این است که در یک طرف ایمان به زندگی اخروی، شهادت و آرمان‌خواهی وجود دارد و در طرف دیگر عاقبت‌طلبی، ترس از مرگ و زندگی برای رفاه طبیعی است که طبقه متوسط در یک شرایط دموکراتیک قادر به حفظ ثبات و منافع غرب در برابر برشده‌ها مادیون متوسط‌ها نخواهد بود. لذا غرب در این بن‌بست قرار دارد که چه کسی می‌تواند تکیه کند؟

از یک سو در اردن اخوان المسلمین که بدنه‌اش مردم مذهبی ضد صهیونیست هستند، در انتخابات نیمه‌آزاد ۳۰ درصد کرسی‌ها را به دست آوردند و گرایش به سمت اسلامی‌تر شدن است. بطوری که رئیس پارلمان بعد از انتخابات اخیر یک شخصیت اسلامی مغضوب ملک حسین است. که این تحولات با هشدارهای شدید آمریکا و انگلیس روبرو بوده است. و حتی بیم اشغال اردن از طرف اسرائیل می‌رفت.

از سوی دیگر قیام انتفاضه، اعرابی را که در نشست اتحادیه عرب در سال ۶۶ دشمن اصلی خود را ایران قرار داده بودند و او را به تبعیت از خودش می‌کنند و در کنفرانس سال بعد در بغداد دفاع از انتفاضه و انتقاد به آمریکا قوت می‌گیرد. حتی سخن به میان می‌آید که عراق هم با ایدسلح تمی و شمیایی داشته باشد، چون اسرائیل مسلح به آنهاست. اینها هم از اثرات انتفاضه است. که ملهم زلبان و امواج انقلاب اسلامی است.

امریکا چاره‌ای ندارد جز اینکه برخلاف تصور عده‌ای که فکر می‌کنند خط مشی غرب در جهان سوم حاکم‌گردن دموکراسی‌های هدایت شده است، به جای تکیه به میانه‌روها، امروز به سرکوبگرها نزدیک شود.

● اسلام آمریکا بی راه حل

آمریکا برای منطقه

آنچه تمام معادلات غرب را چنین بنه

هم‌زده است. ظهور برداشت اصیلی از اسلام است. اسلامی محمدی و قرآنی که می‌گوید حاکمیت با بدیا مستضعفین باشد. تشکیل حکومت اسلامی را یک وظیفه و تکلیف الهی می‌داند. معتقد به جنگ دائمی میان فقر و غناست. احکام حکومتی را مقدم بر احکام فردی می‌شمارد و...

امریکا برای مقابله با چنین اسلامی به ناسیونالیسم و یا به دموکراسی نمی‌تواند تکیه کند. زیرا ناسیونالیسم نه تنها در برابر برتوان ایدئولوژیک و وحدت بخش اسلام قادر به مقاومت نیست. حتی در بسیاری از موارد خود ناسیونالیسم هم تابع چنین اسلامی شده است. گرایش جنبش فلسطین به سمت آرمان‌های اسلامی نیز نمایانگر چنین واقعیتی است. عراق که روزی می‌خواست با نیروی ناسیونالیسم عراق و عرب در برابر انقلاب اسلامی بایستد، از آنجا که در طول جنگ از اسلام‌ضربه می‌خورد و نه از ایران، بناچار حداقل تابع شکل اسلامی انقلابی شد. گام‌ها را تعطیل کردند، تبلیغات رسانه‌های گروهی خود را شکل و رنگ اسلامی دادند و در قضیه بحران کویت ۹۰٪ شعارهای صدام حرف‌های امام خمینی (ره) و شعارهای اسلامی انقلابی است.

دموکراسی هم در این شرایط در خدمت رادیکالیسم و اسلام انقلابی درمی‌آید. غرب به سلطنت هم به دلیل یوسدگی ذاتی‌اش نمی‌تواند حداقل در این مقطع، دل ببندد. حرکت اسلامی موجود ضد سلطنت هم هست. روزی تکیه آمریکا برای حفظ ثبات در منطقه روی نقش اسرائیل بود ولی امروز غرب شاهد این است که خود اسرائیل موجب وحدت و بسیج مسلمانان گردیده و تبدیل به نقطه درگیری بین مسلمانان و مغرب شده است. به نظر می‌رسد مناسبت‌ترین راه غرب برای کنترل جنبش اسلامی در منطقه، استفاده از نیروی عظیم مذهب در برابر مذهب باشد. یعنی به نیروی تکیه کند که دشمن درونی و دلداد اسلام محمدی و قرآنی است. اسلامی که از ابتدا در کنار انقلاب بود و در عین حال دائماً با جوهره و ارزشهای آن درگیر بوده است. اسلام عاقبت طلب، اسلام غیر انقلابی، اسلام حجتیه و در یک کلمه اسلام آمریکا. اسلامی که احکام فردی را بر احکام حکومتی مقدم می‌داند. اسلامی که با تئوری‌هایی نظیر مالیت دادن به حفظ ام‌القری در دارالاسلام، سکوت و همکاری در سرکوب نهضت‌های آزادبخش و حزب‌الله را در منطقه و لبنان توجیه می‌کند.

اسلامی که در برابر آزمان فلسطین و آزادی قدس که شعار اسلام محمدی است. استراتژی ملی را مطرح می‌کند و در حقیقت پشت جبهه آزادی قدس و وحدت اصولی

مسلمانان را متلاشی می‌کند. جریانی که به آمریکا می‌گوید: پیمان امنیت منطقه ثبات دوستان آمریکا را هم حفظ می‌کند و دیگرگریزی به لشکرکشی شما نیست. روزنامه رسالت پس از تجاوز عراق به کویت و در آستانه ورود آمریکا شیبها به منطقه بدین مضمون نوشت که سه راه برای آمریکا وجود دارد: ۱- جنگ با عراق. ۲- سازش با عراق. ۳- نزدیکی به ایران. و تلویحاً راه حل خودش را به ایران پیشنهاد می‌کند. ولی وقتی که آمریکا لشکرکشی خود را آغاز کرد، روزنامه رسالت به دنبال مقاومت مردمی، موضع‌ضد آمریکا می‌گرفت.

اسلامی که به جای ضد غرب بودن، ضد رادیکالیسم، ضد التقات و کمونیسم است. اسلامی که خط اما می‌ها را به هارون الرشید تشبیه می‌کند و کمونیست و التقاتی می‌داند، در حالی که غرب را موحس می‌شمارد.

اسلامی که خود را جزو خاندان جهانی می‌پندارد. (که اداره کننده‌اش ابرقدرتها هستند.)

اسلام برخاسته از دنیا دخواهی و متکی به حمایت آل طعمه‌ها و خدمتگزاران آنها. اسلامی که برای حذف نظریات انقلابی و فقه امام خمینی (ره) که به فقه و متدلوژی حوزه‌ها انتقال داده‌اند، حرمت تقلید از منت را مطرح می‌کند. در حالی که متدلوژی و مواضع صولی از اصل جوهره اسلام نشات گرفته است و تابع زمان و مکان و شرایط خارجی نیست. جنبه فتوایی و احتیاطی هم ندارد. اسلام آمریکا بی این جمله را که "امریکا در رأس ملحدین جهان است" نه تنها نمی‌تواند تبیین کند، بلکه به شدت با آن مخالف است.

اسلامی که با جذب عناصر صراحتاً اندیش و صادق و گام‌ها با سوابق مبارزاتی، با داشتن مشروعیت و پشتوانه حوزه‌ها و مراجع و بخش خصوصی طبقات مرفه، قاطعیت سرکوب و حذف انقلابیون، یعنی مادیون متوسط‌ها را خواهد داشت. کاری که هیچ نیروی دیگری به سادگی قادر به انجام آن نیست و نخواهد بود.

در عین حال از آن نکته هم نباید غافل بود که باسیح مذهب علیه مذهب، به تدریج اسلام موضوعیت بیشتری پیدا کرده و نیروهای انقلابی حتی اضطراراً هم که شده به سمت دست یافتن به یک متدلوژی الهی و قرآنی بیش خواهند رفت. به سمت یافتن روش تفکر و عملی خواهند رفت که به این نیروها انسجام و استحکام بیشتری برای تدوام راه خود و مقاومت در برابر برتوهای ایدئولوژیک، سیاسی اسلام آمریکا بی بدهد.

نظریه دیگری هم در تکمیل جمع‌بندی فوق وجود دارد که می‌گوید: تکیه‌گاه

استراتژیک و بلندمدت آمریکا کماکان همان طبقه متوسط غربی با فرهنگ دنیاگرایی و مصرف‌گرایی و حاکمیت تکنوکراتها و بوروکراتها و بدنه نظام سلطنتی گذشته است. ولی در این مقطع برای حذف اما مویکنترل اسلام انقلابی و بازگردن راه برای حاکمیت خطمیانها از اسلام آمریکا بی استفاده می‌کنند.

زیرا غرب حتی با حضور شکلی اسلام هر چند در جهت منافع خودش هم‌پا شد، مخالف است. غرب معتقد است دخالت مذهب در سیاست موجب موضوعیت و طرح آن در جوامع گردیده و ممکن است جریانی با برداشت اصل از مذهب بتواتر در حکومتها نفوذ کرده و به امنیت غرب لطمه بزند. حتی این مذهب‌گرایی می‌تواند به حضور مستتریک جنبش انقلابی اسلامی بیانجامد. الگوی مطلوب وی خطری که غرب برای آن سرما به گذاری می‌کند یک جامعه لائیک یعنی جدایی کامل دین از سیاست است. جریانی اسلام آمریکا بی نظیر حجتیه، عاقبت‌طلبها و حاکمیت فردی نه تنها در نهایت با آن شکل حکومت موافق هستند، بلکه با شیوه‌هایی که در حمایت از سرکوب و استعمار دارند، موجب انزجار و فرار مردم از حاکمیت مذهب گردیده و به تدریج جامعه را به سوی یک حکومت غیر مذهبی سوق خواهند داد.

خلاصه اینکه آمریکا با اسلام انقلابی و غرب ستیز سرمازش نداشته و از طرفی سلطنت نیز عملاً بیگانه‌ای برای منافعش نمی‌تواند باشد. طبقه متوسط و خط میانهم به دلالتی که قبلاً ذکر شد نمی‌تواند حافظ مطمئنی برای منافع آمریکا در منطقه باشد. حتی ناسیونالیسم متروقی عراق نیز طی جنگ تحمیلی تابع اسلام انقلابی گشت. حال بن بست غرب این است که تکیه‌گاه طبقاتی در این منطقه زرخیز نداشته و به نظرمی‌رسد به همین دلیل نیروهای نظامی خود را به این منطقه گسیل داده است تا آلترناتیو اسلامی مناسب را متشکل و حاکم نماید. پیمان‌های منطقه‌ای به رهبری آمریکا در این راستا هستند. نیروهای نظامی آنقدر می‌توانند تا بافت طبقاتی کشورهای منطقه را تعدیل و این آلترناتیو را با ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی بیدار کنند.

ولی آنقدر رشد و آگاهی در منطقه افزایش پیدا کرده و آنقدر بحران و رکود در درون امپریالیسم فزونی گرفته که این تلاش‌های مذبح‌ناشمی نخواهد داشت.

امیدواریم مسئولین جمهوری اسلامی هم‌پا این رشدها و این بحران‌ها توجه عمیق داشته و در یک استراتژی امیدوار چشم‌انداز زیرشورآینده را بنگرند.



جنگ

چریکی

جنگ سرد - جنگ کلاسیک -
جنگ چریکی علیه امپریالیسم
کدام میک ؟

در

خلیج فارس

۱- مردم وایدشولوی اسلامی...

۲- زمین ودریا

نوشته انداماً خدا صلی تهیه راهنمای
امروزی بوده است.
به طور کلی عوامل زیر، از زمین و
دریا، در جنگهای غیر کلاسیک در خلیج
فارس تعیین کننده هستند: موانع، معابر
و صولی، دیدوتیر، پوشش و اختفا.

موانع

الف - ویژگی مشخصات جغرافیایی
خلیج فارس تا شیبزایی در اینجا د
موانع طبیعی و مصنوعی در این آبراه
استراتژیک گذاشته است. خلیج فارس از
دهانه روتندرود در شمال غربی تا تنگه
هرمز در جنوب شرقی به طول ۵۰۰ مایل
گسترده است و به وسیله تنگه باریک هرمز
به دریای عمان و اقیانوس هند ارتباط
حاصل می کند.

ب - عرض خلیج فارس از ۳۰ مایل در
تنگه هرمز تا ۱۸۰ مایل در قسمت جنوبی
آن متغیر است. ماگزیم عمق بین ۸۰
تا ۱۰۰ متر است. قسمت های عمیق عمدتاً
در آب های ساحلی با فلات قاره جمهوری
اسلامی ایران قرار دارد و قسمت های
دیگر بیشتر کم عمق و با صخره ها و تپه های
زیر آبی و جزایر متعدد می باشد. به ویژه
در قسمت های جنوبی خلیج فارس سواحل
عموماً غیر منظم است. همچنین سگوه های
بیشمار رفتی در سرتا سر این دریا
پراکنده است. این عوامل سبب ایجاد
محدودیت های بیشماری در ناوبری
کشتی ها و شناورها می شود که آنها را
مجبور به عبور از معابر ویژه ای می کند.

ب - به هنگام جنگ نیز طرف متخاصم
خواستار استفاده از دریا و برقراری
ترافیک صادرات نفت و واردات کالاها
و صادراتی خواهد بود و باید به تدریج
کشتی های نفتکش و تجارتی اقیانوس
پیما، که به علت آبخور زیاد مجبورند از
مسیرهای ویژه ای با توجه به مواردفوق
عبور کنند، آدامه دهد. هدف

ایران اسلامی با داشتن چندهزار
کیلومتر ساحل در خلیج فارس و دریای
عمان و جزایر متعدد و آنگاه داشتن به
وجوب به وجب این خاک و آشنایی به آن
مثل کف دست خود، برتری بر نیروهای
کلاسیک دشمنان دارد. دهکده زفالمه ۱۶
هزار کیلومتری به منطقه ای ناشناس
آمده اند. به علاوه، مردمان ساحل نشین
ما چندین هزار سال است که با مرداران
و فلتان تاریخ که بر حکومتها و
فرمانروایان ایران غلبه کرده اند و به
بنادری مانند ظاهری و چاهها روری -
شهر و شهرها بیند و عسولویه، و جزایری
چون کیش و هرمز و خا رک و قشم تجا و ز
نموده اند، جنگیده اند و آموخته اند
چگونه برای بهترتر زمین از سواحل و
جزایر و دریا بهره جویند.

هیچ کس به انداز ایران نباشد،
خلیج فارس و دریای عمان را نمی شناسد
در قرن اول میلادی ایرانیان با
استفاده از ده های موسمی از خلیج فارس
به هندوستان و سیرلانکا (سیلان یا
سرانندیب) می رفتند. فردوسی در داستان
طغیان سرانندیب، با دشا سیلان، در
زمان گرشا سب گفته است:
سوی کشور هندی پرواز کن
سرانندیب شهر از کین سا زکن
بهورا بیند و از آنجا ببار
به درگاه مهرا چرکش به دار
بفرموده ا متا ز دریا کنار
ببارند کشتی هزاران هزار
همچنین مردم بندر گنگ و جاسک و
میناب که پدر در دریا نورد بوده اند،
با قایق های بادبانی از خلیج فارس به
سواحل عربستان و آفریقای شرقی سفر
می کردند. در ۱۲ قرن پیش سلیمان
سیرافی از بندر سیراف، نزدیک ظاهری
به چین سفر کرد و سفرنامه خود را نوشت.
و اصولاً رهنامه های را که دریا نوردان
ایرانی مسلمان از هزاران سال پیش

با فته و آموزش های کلاسیک نظامی و
خرید سلاح های پیچیده جا بگزین آن شد.
اکنون در عرصه جنگ خلیج فارس با
عنایت به بن بست های استراتژیک
خط مشی اول و دوم به بررسی تاکتیک های
جنگ چریکی در دریا می پردازیم. تذکر
اینکه مقاله زیر توسط سرهنگ "اشکوس
دانه کار" از افسران نیروی دریایی
تهیه و در کنفرانس خلیج فارس به سال
۱۳۶۷ ارائه گردید. مقاله زیر نظریه
یک کارشناس نظامی بوده و از تجارب
موفق جنگ های چریکی، آبی و بی تمام
اقتباس شده است. این مقاله در کتاب
کنفرانس خلیج فارس از موسسه مطالعات
بین المللی وزارت خارجه به چاپ رسیده
است. اکنون به درج گزیده مقاله
فوق می پردازیم. با امید به اینکه از ۸
سال جنگ با عراق عبرت گرفته و در
اشتباهات گذشته تجدید نظری اساسی
انجام دهیم.

● تعریف جنگ غیر کلاسیک

دریایی
جنگ غیر کلاسیک دریایی نوعی
عملیات ویژه است که در مقابل دشمن
با تجهیزات و نیروی برتر با حداکثر
"انگه" به توده ملت و حربه ایمان و
"تجهیزات موجود نیروهای بسیج شده
خودی" و "شرایط فیزیکی محدودکننده
دشمن"، به منظور حفظ منافع حیاتی
خودی و فرسایش و نهایتاً انهدا دشمن،
با تاکتیک تکیه ای سریع و با استفاده از
"دسته های کوچک و سلاح های مخرب"،
"غافلگیرانه" به آسب پذیرترین
قسمت نیروهای دشمن در زمان و مکان
غیر قابل تصور انجام می شود.

با توجه به تعریف فوق عوامل اصلی
برای جنگ های غیر کلاسیک در خلیج فارس
را به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

- ۱- مردم وایدشولوی اسلامی
- ۲- زمین ودریا
- ۳- شرایط جوی و وضعیت دریا
- ۴- پشتیبانی مستمر ملت از رزمندگان
- ۵- پشتیبانی ملتهای مستضعف و اسلامی
- ۶- وضعیت ویژه ژئوپولیتیک منطقه
- ۷- وضع اقتصادی.

جنگ خلیج فارس بطور طبیعی امنیت
کلیه کشورهای منطقه را مورد تهدید قرار
داده است. طرح تجاوز نظامی متحدین به
رهبری آمریکا به جزایر تنب بزرگ و
کوچک و سوموسی و بنادر جنوبی ایران
یکی از این خطرات بالقوه است. تلاش
در تغییر جغرافیای سیاسی منطقه که
توسط دولت ایران و سوریه نیز محکوم
گردید از سایر ابعاد این تجاوز جدید
نظامی می باشد. در چنین شرایطی با
توجه به ویژگی ضد استکباری انقلاب
اسلامی، امنیت ملی ما، داشتن یک
استراتژی دفاع نظامی را اقتضا
می کند. در رابطه با این استراتژی
نظامی چند خط مشی در ایران وجود
دارد:

۱- خط مشی جنگ سرد با مسلح شدن
به پیچیده ترین سلاح های به عبارتی
توازن قوا برای بازدارندگی دشمن از
تجاوز نظامی. در رابطه با این خط مشی
دیدیم که عراق علیه غم مسلح بودن به
یکی از عظیم ترین زرادخانه های
تسلحاتی، قادر به جلوگیری از تجاوز
نظامی متحدین نگردید.

۲- خط مشی جنگ کلاسیک یا نبرد
نظامی با انگه به سلاح های پیچیده و
تکنولوژی پیشرفته.

این خط مشی نیز با توجه به پیچیده
- تر بودن سلاح های امپریالیسم،
شکست خواهد خورد. در تجربه ۸ سال جنگ
با عراق وجود حاکمیت چنین خط مشی
کلاسیکی نهایتاً منجر به ضربات بزرگ
نظامی و پذیرش زهرنا مه ۵۹۸ گردید.

۳- خط مشی جنگ چریکی یا جهاد
دفاعی، با انگه به بسیج انسانها در صد
کشف تاکتیک های است که غلبه اقلیت
حق بر اکثریت با طل را امکان پذیر
می سازد. کلیه پیروزی های که در طول
۸ سال جنگ داشتیم مرهون وجود چنین
شیوه جنگی در برابر تجاوز نظامی عراق
بود. متأسفانه با کلاسیک شدن جنگ،
رشد قوانین جنگ چریکی متوقف و به
فرا موشی سپرده شد. استفاده از تجارب
جنگ های چریکی سایر انقلابات با این

نیروهای غیرکلاسیک خودی محروم کردن دشمن از دریاست. محدودیتهای ایجا شده در تردد شناورها به علت یکی از موانع فیزیکی است که در جنگ غیر کلاسیک دریایی میتوان به بهترین وجهی از آن بهره جست.

ث - محدودیتهای عمق و موانع طبیعی و مصنوعی سبب میشود که دشمن قادر به استفاده از ناوهای هواپیما بر وزیر دریایی های خود بدون محدودیت در خلیج فارس نباشد. در نتیجه از لحاظ ایجا دیوش و پشتیبانی هوایی برای کاروانهای کشتیهای خودکام یا بد از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس پارگها را خنثی کند، بواسطه به سوختگیری هوایی، بلکه محدودیتهای عملیاتی فراوانی را به دنبال خواهد داشت. همین طور از استفاده زیر دریایی، این وسیله غافلگیری عمده، در خلیج فارس محروم می شود.

ت - چنین وضعیتی بهترین شرایط را برای مین گذاری آفندی که سهلترین سلاح مخرب علیه ناوهای شناور است، ایجا می کند. چون دشمن محور به عبور از مسیرهای اجباری است و کلاً این مسیرها در حوالی سواحل و جزایر ماسا قرار دارند، میتوان به آسانی و با به کارگیری تعداد قابل توجهی مین، بزرگترین آسیبها را به دشمن بدون درگیری رویا روی وارد کرد. حادثه به مین خوردن نفتکش بریجستون و تعداد دیگری نفتکش و ناوشکن امریکایی عملاً این نقطه ضعف بزرگ نیروهای پیشرفته را در مقابل مین گذاری غیر کلاسیک هویدا ساخت. در ثانی، اقدامات آفندی و مین رویی آنقدر پرهزینه است که گاهی صرف نظر کردن از تردد کاروان بیشتر مقرون به صرفه خواهد بود.

انجام عملیات مین گذاری بسیار سهل و با هر نوع شناوری قابل اجراست و نیروهای غیر کلاسیک محلی را میتوان به صورت گسترده در این عملیات شرکت داد و آنقدر دفعات مین گذاری را تکرار کرد که نیروهای مین روب ویدافند کنند که عملاً فرسوده و نامید شوند.

ج - یکی از تاکتیکهای موفق نیروهای غیر کلاسیک، کمین در دستهای کوچک در مقابل جباری و تکیه کاروانها و ناوهای دشمن خواهد بود. مجبور بودن کاروانها به عبور از مسیرهای ویژه بهترین شرایط را برای کمین نیروهای غیر کلاسیک در سواحل و جزایر کناره موانع طبیعی و مصنوعی ایجا می کند تا به صورت غافلگیرانه و گسترده کاروانها و یگانهای با ارزش دشمن را مورد تکی قرار دهند.

معابروصولی

الف - نیروهای غیر کلاسیک برای عملیات موفقیت آمیز خود دنیا زدا رند که همواره با پوشش و اختفا از دید دیده بریهای الکترونیکی و بصیری دشمن پنهان باشند و در مکان و زمان غیر قابل تصویریگانهای دشمن را مورد تکی قرار دهند، از این روهواره نیازمند معابروصولی به منطقه عملیات و به ویژه مسیرهای اجباری عبور دشمن از پایگاههای خود هستند. از طرفی، معابروصولی ما باید برای ورود کاروانهای مورد نیاز کشور و صادرات خارج ز تهدید دشمن و در دسترس باشد، و نیز بتواند برای رساندن پشتیبانیهای لجستیکی به رزمندگان قابل استفاده باشد.

هستند، در هر شرایطی جمهوری اسلامی را قادر می کند که از قسمتی از مرزهای زمینی و هوایی همسایگان با اتصال به مرزهای بین المللی بهره جوید و با بعد گسترده محاصره دریایی دشمنان را خنثی نماید. از این روست که شاهد بوده ایم چگونه امریکا دریایی التماس از سایر کشورها و جوامع بین المللی برای اخذ مجوز تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران است. تا به وسیله آن بتوانند تضمینی برای مؤثر بودن محاصره دریایی احتمالی جمهوری اسلامی ایران کسب کنند.

دیدو تیر

الف - از آنجا که عمده عملیات نیروهای غیر کلاسیک کمین و تاخت و عملیات غافلگیرانه است دیدو تیر در

نیروهای دشمن ابر قدرت ما که از ۱۶ هزار کیلومتری با آب و هوایی کاملاً متفاوت و عادات و میراثی غیر متناسب برای شرایط خلیج فارس و دستگاههای پیشرفته به این منطقه می آیند به شدت آسیب پذیر خواهند بود.



عملیات غیر کلاسیک دریایی از لحاظ نیروهای عمل کننده و همچنین نیروهای دشمن نهایت اهمیت را دارا می باشد.

ب - با توجه به اینکه بتکار عمل در عملیات کمین و تاخت و ساب عملیات ویژه با نیروهای غیر کلاسیک ما است. انتخاب زمان و مکان نیز به دلخواه نیروهای رزمنده ما می باشد. با اتکا به سواحل و جزایر و قابلیت انعطافی که سلاحهای رزمندگان اسلام با برد و قدرت جابجایی از جاده های ساحلی، و همچنین مسیرهای دریایی متکی به ساحل ایجاد می کند، عامل دیدو تیر به نفع نیروهای غیر کلاسیک ما است. نیروهای دشمن برای کشف نیروهای غیر کلاسیک به شدت

ب - ایران حدود ۱۰۰۰ مایل سواحل در جنوب و همچنین دهکده های بیشمار در سواحل، و دهها جزایر کوچک و بزرگ مسکونی و غیر مسکونی، و ۱۰۰ بندر بزرگ و حدود ۶۰ بندر کوچک، و صدها خور در سواحل دارد که شناورهای نیروهای غیر کلاسیک قادر به عملیات از کلیه آنها هستند. به علاوه، اکثر قایقها را میتوان با استفاده از جزر و مد در هر نقطه ای حتی بدون بندر و خور در آب انداخت که هرگز در خطر قطع معابروصولی قرار نخواهند گرفت.

ب - هم رزم بودن ایران با کشورهای مسلمان و همچنین با کشورهای که از لحاظ سیستمهای حکومتی در بعضی موارد متفاوت با سیستمهای دشمنان ما

محدودیت خواهد داشت. از طرفی با وجود موشکهای هدایت شونده که میتواند به صورت غیر عامل نیز پرتاب کرد، و همچنین سلاحهای برد کوتاه که با قایقهای تندرو و در مدت بسیار کمی از پایگاه رها می شود، نیروی غیر کلاسیک را به نقطه حمله به یگان شناور دشمن می رساند، به شدت وضعیت به نفع نیروهای غیر کلاسیک خودی و به ضرر نیروهای کلاسیک دشمن خواهد بود.

ب - نازک بودن قطر بدنه ناوهای جدید و کشتیهای شناور و نفتکش که در تکنولوژی مدرن برای کم کردن وزن یگانهای شناور و سرعت زیاد آنها انجام شده، آسیب پذیری بزرگی را در مقابل سلاحهای برد کوتاه و ضربتی یگانهای غیر کلاسیک ایجا می کند. به علاوه، مواد سوختنی، مهمات و تجهیزات الکترونیکی که در یگانهای کلاسیک و کشتیهای تجاری و نفتکش به طریقی وجود دارد، خود به صورت خرجا نفع را عمل می کند که ما سوره آن سلاح پرتابی یگان غیر کلاسیک خواهد بود. بزرگی یگان کلاسیک سبب می شود، که هدف گیری و تصحیح تیر برای یگانهای غیر کلاسیک به سهولت انجام پذیرد.

ت - تکهای نیروهای غیر کلاسیک که به وسیله توده ای از یگانهای شناور کوچک انجام می شود، مسئله دیدو تیر و هدایت آتش را برای یگان کلاسیک به شدت مشکل می کند. هر چند که امریکا برای جبران چنین ضعف بزرگی به تجهیزات یگانهای شناور خود به تعداد تیرهای با سرعت آتش زیاد پرداخت و با هلیکوپتر و در بعضی موارد قایقهای تندرو و رد عمل کرد، اما به تجربه ثابت شده که این ترفندها در صد کوچکی از آسیب پذیری را کم می کند. وقتی صدها قایق و هوا پیمای با خلبان و بی خلبان به کاروانی حمله می کنند به ویژه اگر یگانهای شهابی باشند، به طور قطع دفع کامل چنین حمله ای غیر ممکن خواهد بود.

پوشش و اختفا

الف - یکی از مؤثرترین و قدرتمندترین حربه های جنگ تیر و هوای غیر کلاسیک در دریا، اجرای عملیات غافلگیرانه است. تا دشمن برتر از لحاظ تجهیزات تا به عدم کشف به موقع نیروهای آفند کننده فرصت عکس العمل نداشته باشد.

ب - از آنجا که اصل عمده غافلگیری، پوشش و اختفای نیروهای غیر کلاسیک است، در صورتی که منطقه عملیات در ایجا چنین اصلی به صورت طبیعی و مصنوعی کمک کند، موفقیت عملیات غیر کلاسیک را به دنبال خواهد داشت.

پ - خلیج فارس با داشتن جزایر متعدد و سواحل طولانی، و ارتفاعات پراکنده در سواحل، و غورهای بیشمار و عوارض مصنوعی، مانند بویه‌ها و قایق‌های ثابت کمک ناوبری، محل مناسبی برای پوشش و اختفا و پنهان‌گرفتن یگان‌های شناور کوچک و قایق‌های سریع‌السیر با سلاح‌های ضربتی نیروهای غیرکلاسیک است.

ت - تردد شناورهای محلی و کشتی‌های سایر کشورها در منطقه، همچنین مسئله شناسایی دوست از دشمن را جهت نیروهای کلاسیک به سختی مکان‌پذیر می‌آورد. به ویژه نیروهای غیرکلاسیک قادرند با ظاهری هوشمندانه و برای محلی به هدف نزدیک شده، در فرصت و موقعیت مناسب تک خود را اجرا کنند. هدف قرار گرفتن ناوگان و شکن استارت آمریکا، و انهدا ملاحظه شاره توسط ناوهای آمریکا به خیال اینکه یگان غیر کلاسیک جمهوری اسلامی است، امکان استفاده از این شرایط را برای پوشش و اختفا تا کید می‌کند. با توجه به این حقیقت که روزانه حدود ۳ هزار شناور محلی در خلیج فارس در ترددند، مشخص می‌شود که چگونه تشخیص دوست از دشمن برای دشمنان ما مشکل خواهد بود.

۳- شرایط جوی و دریا

الف - به رغم پیشرفت تکنولوژی ساخت یگان‌های شناور، هنوز شرایط جوی و دریا به شدت بر عملیات دریایی اثر می‌گذارد. به ویژه این تأثیرات بر یگان‌های شناور و پیشرفته که به تجهیزات مدرن الکترونیکی مجهز هستند و پرسنل آنها به کارهای بدنی کمتری عادت دارند، شدیدتر است.

ب - مردم ساحل نشین و نیروهای غیرکلاسیک ما در سواحل خلیج فارس هزاران سال است که در این سواحل زیست‌اند و با طبیعت پنجه نرم کرده و به شرایط جوی و دریای خراب و توفان‌شن و هوای گرم و شرجی خلیج فارس خو گرفته‌اند و همچون ماهی به آب به چنین شرایطی عادت کرده‌اند، اکنون چنین مقادیر و عاداتی قسمتی از مشخصات ساختمان بدنی آنهاست. البته چنین میراث‌گران قیمتی ارزان به دست نیامده، بلکه حاصل چندین هزار سال و تنازع بقا با طبیعت و تاج و زگران بوده است. آری:

بوده ایم از جا ده مشیر و خون

با خود بردوش در طول قرون

اما نیروهای دشمن ابز قدرت ما که از ۱۶ هزار کیلومتری با آب و هوایی کاملاً متفاوت و عادات و میراثی غیر متناسب برای شرایط خلیج فارس و

دستگاه‌های پیشرفته به این منطقه می‌آیند به شدت آسیب پذیر خواهند بود. پ - شرایط زیر در موفقیت عملیات غیرکلاسیک در خلیج فارس به نفع نیروهای خودی و به ضرر نیروهای کلاسیک دشمن است:

- ۱- گرمای شدید و شرجی و توفان‌شن بردستگاه‌های پیشرفته الکترونیکی یگان‌های کلاسیک دشمن اثر مخرب پیدا می‌کند.
- ۲- گرمای شدید و شرجی و توفان‌شن به شدت با زده‌ی پرسنل یگان‌های کلاسیک دشمن را در تنگنای با زخم می‌کند.
- ۳- هوای شرجی و توفان‌شن در بند بصری را که در کشف یگان‌های کوچک شناور غیرکلاسیک بسیار مؤثر است کم می‌کند.
- ۴- طوفان‌شن و هوای شرجی و گرما

در چنین شرایطی با توجه به ویژگی‌های ضد استکباری انقلاب اسلامی، امنیت ملی ما، داشتن یک استراتژی دفاع نظامی را اقتضا می‌کند.

با زده‌ی یگان‌های پروازی دشمن را محدود می‌کند.

۵- دریای خراب بر یگان‌ها و قایق‌های کوچک کلاسیک یا پرسنل دشمن که دارای عادات متفاوت هستند، به شدت اثر می‌گذارد.

۴- پشتیبانی مستمر ملت نیروهای غیرکلاسیک برای ادامه عملیاتشان به پشتیبانی بی‌انتها و مستمر ملت قهرمان خود متکی هستند. نه تنها در طول تاریخ، بلکه به ویژه در نزدیک به ۸ سال نبرد مقدس و مداومت و بی‌پایانی این پشتیبانی را تجربه کرده‌اند. این چنین پشتیبانی لجستیکی و نیروی انسانی در تاریخ جهان، نظیر و مثالی نداشته است. در حدود ۸ سال جنگ تحمیلی، ملت ما ثابت کرده است که به رغم همه گونه سختی و مصائب، که حاصل ترفندهای دنیای استکبار و علیه انقلاب اسلامی است، با خون و ایثار شگوه‌مندانه و سر بلند در پی اهداف بزرگ انقلاب می‌خروشد و می‌رزد، آری:

دیده‌ام دریا بسی توفان و باد
دارد این مسلخ‌بسی خون‌پایه‌یاد
بس حماسه در درگ این ریشه است
خون صدف‌ها در این تیشه است

از این رونویروهای غیرکلاسیک اطمینان دارند که با شهادت هریک از آنها، دهها رزمنده از ملت جا بماند. می‌گیرند و صدها کودک که با ندای الله اکبر در خانه‌های ایرانی در همان لحظه با به عرصه وجود می‌گذرانند، اولین جمله‌ای که می‌آموزند شعار ظلم شکن

"مرگ برای آمریکا است. لذا نیروی ملت تمام نشدنی است. دنیا شاهد بوده است که ملت ما نیا زهای جبهه جنگ را مقدم بر کلبه ما بحتاج خود تا مین می‌کند.

با توجه به اینکه فرماندهی کسب نیروهای مسلح با ولایت فقیه است، رزم نیروهای غیرکلاسیک جنبه مکتبی و اسلامی یافته است. پشتیبانی‌های ملت از رزمندگان نه از روی قید و اجبار، بلکه متکی به ایمان و اعتقاد دو خواسته‌ها قلبی است. این چنین پشتیبانی حتی با تبلیغات سوء و جنگ‌های روانی دشمن متوقف و یا کم نخواهد شد. امت اسلامی ما که عشق و زندگی او جنگ در طریق الله است، اعتقاد دارد:

ترک مال و ترک جان و ترک سر
در طریق عشق اول منزلت

۵- پشتیبانی ملت‌های مستضعف و اسلامی

دشمن اصلی ما در عملیات غیر کلاسیک، دنیای استکبار و در رأس آنها ابرقدرتی نظیر آمریکا است. حداقل نیمی از ملت‌های جهان به طریقی از دشمن ما و ذاتاً بش‌ضربه دیده‌اند و هر یک به طریقی خواستار رندک‌ها با دشمن‌ها نخواستار به مبارزه برخیزند. اگر به علت وضع ویژه سیاسی، نظامی، اقتصادی قادر به انجام چنین نبردی نباشند، اما از رویا رویی نیروهای غیرکلاسیک ما علیه دشمن‌ها نخواستارشان با تمام وجود پشتیبانی خواهند کرد.

ملت‌های مسلمان، به رغم حکومت‌های احتمالی دست‌نشانده و ارتجاعی خود، در قلب‌هاشان شور و شوق انقلاب اسلامی می‌جوید و به هر طریقی که شده در نبرد اسلام علیه دنیای استکبار و کفر، چه به صورت آشکار و چه به طور پنهان، از لحاظ تسهیلات و اطلاعات نیروهای غیرکلاسیک ما را پشتیبانی می‌کنند. چنانکه در مسدود درگیری جمهوری اسلامی ایران با آمریکا چنین پشتیبانی خالصانه‌ای را نشان داده‌اند.

۶- وضعیت ویژه ژئوپولیتیک منطقه

ایران اسلامی در منطقه استراتژیک تنگه هرمز و در سواحل شمالی خلیج فارس که تا مین کشنده بیش از نیمی از نفت جهان صنعتی است قرار دارد. سکوها و بنا در نفتی متعدد که بیشتر آنها تا مین کشنده منافع استکبار است، در عملیات غیرکلاسیک دریایی به شدت آسیب

پذیرمی‌یابند. برای کم کردن این آسیب‌پذیری‌ها و پدافند از این نقاط حیاتی وحساس، دشمن با یدنیروهای بیشماری را گسترش دهنده خود سبب ایجاد آماج بیشتری برای نیروهای غیرکلاسیک دریایی ما خواهد شد.

احاطه شدن خلیج فارس به وسیله کشورهای مسلمان، که ملت‌های آنها متأثر از انقلاب اسلامی هستند و آمادگی برپا ساختن انقلاب‌های نظیر را دارند، یک عامل بزرگ با زدن رنده در واگذاری تسهیلات به وسیله دولتهای دست‌نشانده به دشمن ما شده است. در نتیجه دشمن برای مقابله با نیروهای غیرکلاسیک ما قادر نیست یگان‌های کوچک به تعداد زیاد وارد منطقه کند، چون اینگونه یگان‌ها نیازمند بندر و تسهیلات پشتیبانی هستند، لذا دشمن مجبور خواهد بود با یگان‌های بزرگ به مقابله با نیروهای غیرکلاسیک مجهز به یگان‌های کوچک بپردازد که آسیب پذیریش بیشتر خواهد شد.

۷- وضع اقتصادی

از آنجا که جنگ‌های غیرکلاسیک به مدت طولانی انجام خواهد شد و اهداف آن در بلندمدت تا مین می‌گردد، در بررسی وضعیت اقتصادی برای این چنین عملیاتی، باید در نظر گرفته شود که درازمدت نیروهای غیرکلاسیک برای جنگیدن به چه چیزهایی نیازمندند. مسلماً نیازهای این چنین رزمی آذوقه و آب آشامیدنی و جنگ افزار و مهمات و وسیله تحرک است. تمام این نیازها برای نیروهای رزمنده عملیات غیر کلاسیک که از وسایل و تجهیزات ساده استفاده می‌کنند از زمان بعد از غلبه و باقی قناعت قابل تأمین است. مسلماً آن دسته از تسلیحات اندکی نیز که در داخل قابل تأمین نباشد، به وسیله دوستان ما و یا دشمنان دشمن ما در دسترس ما قرار خواهد گرفت.

حال با یدید دشمن ابر قدرت ما، با توجه به هزینه سنگینی که یک سرباز و یک ناو جنگی دارد، و با توجه به اینکه متخصصان نظامی آنها نیک می‌اندکند که ورطه جنگ‌های غیرکلاسیک در خلیج فارس به مراتب هولناکتر و کشنده‌تر از گرداب‌های سایر جنگ‌های غیرکلاسیک، مانند جنگ ویتنام است که آمریکا با هزار ترفند سیاسی و قبول شکست از آنها متدرجی نجات یافت. آیا حاضر خواهد شد با جمهوری اسلامی که قادر است در اندک زمان با فرمان رهبر خود صدها هزار رزمنده را وارد خلیج فارس کند، چنین جنگی را آغاز نماید؟



آیت الله منتظری و

کتاب خاطرات سیاسی

از حجت الاسلامی شهری

در روز ۱۸ آذر ماه سال ۱۳۶۵، حدود ساعت ۹ شب سید مهدی هاشمی بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و مطالبی را بیان کرد. سخنان او نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی گردید.

در ظاهرها و مباحثها علامت‌ها متوی از اعمال گذشته و منحرف خوانند خود بود، لیکن مباحثها آن چنان تنظیم شده بود که در واقع شوک تیز حمله متوجه آیت الله منتظری شد تا ایشان فردی ساده لوح، دهن بین، بی اطلاع از امور و بسیاری صفتهای دیگر از این قبیل جلوه کند.

چند سال بر آن واقعه می‌گذرد، سید مهدی اعدا شده، آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری استعفا دادند و در انتخابات خبرگان یا ران امام حذف گردیدند... لیکن هنوز مسائل بسیاری پیرامون چگونگی بیرون آن جریان است در برده به ما قرا گرفته است.

مستولان مملکت عمدتاً از تبیین علل این واقعه خودداری کردند و تنها جزوه "رنجنامه" حجة الاسلام سید احمد خمینی زوایایی کوچک از نحوه شکل گیری و شد آن مسائل را به شکلی مبهم نشان داد و لیکن ایشان نیز پس از آن جزوه تا به حال در این رابطه سکوت کرده و چیزی نگفته اند.

کتاب "خاطرات سیاسی" نوشته آقای ری شهری در عین آنکه مقداری تکرار مسائل رنجنامه است و مقداری بیان مباحثهایی که در مطبوعات آمده، ولیکن نکاتی جدید و در بعضی موارد تکانه‌ها، از آن واقعه را بر ملا می‌آورد. یکی از نکاتی که در این کتاب ذکر گردیده و در اینجا مورد نظر می‌باشد، مکاتباتی است که سید مهدی هاشمی از ابتدای بازجویی تا مدتی پس از بخش مباحث تلویزیونی به شکل مخفیانه با دوستان خود در زندان داشته است. حجت الاسلامی شهری در ضمیمه ۳ کتاب قسمتی از آن مکاتبات را نقل کرده اند.

اعترافات سید مهدی ارائه شده نیز، از آیت الله منتظری عذرخواهی و تجدید حیثیت شود. علاوه بر این، ضروری است علل این واقعه نیز زیر بشه‌بایی گردد. پس از این وقایع آیت الله منتظری به دلیل عشق به اسلام و انقلاب و شخص حضرت امام (ره) و علاقه و افر به آرا مش جمهوری اسلامی سکوت اختیار کردند. برای روشن تر شدن مسئله فوق قسمتهایی از کتاب خاطرات سیاسی نوشته حجت الاسلامی شهری را ذیلاً نقل می‌کنیم:

● بن بست با زجویی

صفحه ۶۹:

"حدود یک ماه از دستگیری مهدی هاشمی گذشت، ما او هنوز ضربه پا سخ-گویی و روشن کردن نقاط ابهام نبود... با گذشت هر روز بر تسخیرنا پذیری این قلعه مخوف افزوده می‌شد.

... ممکن بود که تا خبر در ارائه نتایج متقن و قابل اتکا یکسانی را که نسبت به موضوع مسئله‌ها را بودند، به اندیشیدن بر راه روشی مغایر اندیشه امام مبتلا نماید. لذا این بحران هرچه زودتر می‌باید پایان می‌پذیرفت... همه دست اندرکاران این موضوع، تنها به یک موضوع فکر می‌کردند: "چه راهی برای تشویق متهم به بازگویی حقایق وجود دارد؟" به خاطر همین رجوع کردم تا آن زمان بازجویی سه متهم سرشناس را خود انجام داده بودم. این سه تن عبارت بودند از: تیمسار محقق، قطب زاده و شریعتمداری. از دل گذشت که این بار نیز خودم متهم را بازجویی کنم. می‌دانستم که رو برو شدن با فرد با تجربه و پیچیده‌ای چون مهدی هاشمی نیازمند پشتیبانی روانی بسیار قوی است.

صفحه ۷۰:

احساس کردم که خداوند توان و جنین برخوردار را عنایت کرده است تا این همه تفاتی به قرآن زدم... تصمیم گرفتم که شخصاً به بازجویی از وی اقدام نمایم... یک روز عصر به منظور بازجویی متهم به بازگشتگاه رفتم. برادران بازجو توانسته بودند مباحثهایی با او انجام دهند... در این مباحثها مهدی هاشمی با این تصور که مباحثها به مردم ارائه خواهد شد، نقطه نظرهای انحرافی خطرناکی را مطرح کرده و مذبوحانه تلاش کرده بود تا خط برخورد را به هواداران خود القاء نماید. به راستی که عنصر زیرکی بود، او می‌خواست از طریق دستگامهای تبلیغاتی کشور انحرافات خود را موجه سازد و با سرگرم کردن مازمینه‌ها برای شربخشی اقدامات پاران و حمایت کنندگان خود فراهم آورد. هر چند بازجوها او در کمال داناتایی و کاردانی تصمیم به بخش و انتشار مباحثها نداشتند.

صفحه ۷۱:

... بر فرصت در حال عبور بود و هر چه زودتر می‌باید از لحظات بهره‌بردا می‌شد. اذان مغرب اجازت عبادت را به مؤمنان با دآوری کرد. نماز مغرب و عشا را به جماعت خواندیم. پس از آن آماده صحبت با مهدی هاشمی شدم. او را به یکی از اتاقهای ساختمان آوردند. به حقیقت قرآن و ارواح طیبه معصومین متوسل شدم. از خدا خواستم تا کلام را نافذ و کارسازد. روحی بیچاره، درگیر او عواج خود بود. اگر خدا باری نمی‌کرد، قادر به کمک و راهنمایی او نبودم. فضای روحانی بر آن اتاق حکومت یافت.

گفتم: تو از خدا نمی‌ترسی؟!

گفت: چرا.

گفتم: می‌ترسی؟

گفت: بله.

گفتم: خدا می‌داند که توجه‌گاری و چه کرده‌ای. خودت هم می‌دانی، چرا مسائل را نمی‌گویی؟

گفتم: گفته‌ام، بعضی جزئیات هست که شاید نگفته باشم.

گفتم: همه مسائل را گفته‌ای؟

گفت: نه.

گفتم: خوب بگو.

گفت: خیلی خوب خواهم گفت!

در آن فضا کلماتی ساده میان ما رد و بدل شد، اما این کلمات هر کدام معنایی به زرفی یک قلموس و مفهومی فرا تراز حد متعارف یافتند. آری، خداوند شری در همین واژه‌های ساده نهاد که متهم برباید!

راه مجاهد:

(توجه شود که در این زمان مکاتبات مخفی دورا ز چشم مستولان ادا می‌دارد)

صفحه ۷۲:

"... او را از سوابی و کيفر آخرت و زندگی پس از مرگ ترساندم... به او گفتم که تصور کن که با زجوی او خداست و اسلام در حال بازجویی از او است... از اتاق که خارج شدم به برادران بازجو گفتم: "بیروید و او را بازجوی کنید!" ... همکاری او با بازجوها قابل توجه بود.

راه مجاهد:

(توجه شود که در این زمان مکاتبات مخفی دورا ز چشم مستولان ادا می‌دارد.) "پس از چند روز مهدی هاشمی در خواست کاغذ و قلم کرده و نامه‌ای خطاب به من می‌نویسد. ظاهراً در آن نامه سوگند یاد می‌کند که همه مطالب خود را گفته و چیزی دیگری برای گفتن ندارد. نام را به بازجوی خود می‌دهد تا به من برساند... پس از این که بازجو حاضر شده و نامه را می‌گیرد، ناگهان مهدی هاشمی با سرایمی، نامه را از بازجو مطالبه می‌کند بازجو هم نامه را بازمی‌گرداند

یکی از نکاتی که در این کتاب ذکر گردیده و در اینجا مورد نظرمی باشد مکاتباتی است که سید مهدی هاشمی از ابتدای بازجویی تا مدتی پس از پخش مصاحبه تلویزیونی به شکل مخفیانه با دوستان خود در زندان داشته است .

منتظری از نظر مومنا جمهوری اسلامی از شخصیتی چون ایشان بوده است

● روانشناسی مردم

درورای شرع، قانون، بازجوییها، خاطرات سیاسی، مصاحبهها و... مردم قضاوت های خاص و مستقلی نسبت به وقایع دارند .

در اکثر برخوردها متوجه می شویم که در ذهن مردم، مسائلی میگذرد و معتقد می شوند که وقایع سال ۶۵ به بعد یک "سناریو" با هدف حذف نیروهای انقلابی و وادیکال بوده است . انتخابات دور دوم مجلس خبرگان نیز این قضاوت مردم را تقویت نمود .

● خط ریگان

ریگان هم در یک مصاحبه با خبرنگاران

گفته شده بود که سید مهدی توایی است که اعتراضاتش ما دقانه است ، به صحبتهای او اعتماد و مورد استناد قرار گرفت و نقطه عطفی شد در تاریخ انقلاب این تناقض چگونه تبیین و توجیه می شود؟

آیت الله منتظری در درس خود گفتند اگر من در شنا ختم نسبت به سید مهدی اشتباهی داشته ام ، شما که ادعا دارید از ابتدا او را می شناختید چرا به اعتناق او تا آن هم در شرایط بازجویی استناد کردید؟!

ایشان گفتند ، به نظر می رسد که سید مهدی از بد زداست خودنا راحت شده و به این طریق از نظر جمهوری اسلامی انتقام گرفته است .

این انتقام همانا جدا کردن آیت الله

ارشد ۴ شبکه تلویزیونی آمریکا (ا.بی.سی - سی.ام.ا. - ان.بی.سی. - سی.بی.سی) مطالب مهمی گفت که در تاریخ ۶۶/۹/۱۳ از او در آمریکا پخش شد . مطالب مطرح شده در این مصاحبه در رابطه با اهداف آمریکا از عملیات مکزیکارلین می باشد .

متأسفانه مقامات مسئول صحبتهای دخالت آمیز را نه تکذیب کردند و نه به آن اعتراضی کردند . مشروح این مصاحبه در راه مجاهد شماره ۴۶ (بهمن و اسفند ۶۶) به چاپ رسیده که ذیلاً بخشهایی از آن را می آوریم .

ریگان: "... با ید بیگویم افرادی که از ایران با ما تماس گرفتند ، یعنی کسانی که ما با آنها مراد داشته ایم . هرگاه از آنها بر ملا می شود و اگر آیت الله (خمینی) با خبر می شود ، زندگی آنان تا قبل از فرود آمدن شب نیز به طویل نمی نجامد .

... این افراد عناصری بودند که مایل بودند حکومتی داشته باشند که ما با نوعی از آن ، روزی روابط بسیار نزدیک داشتیم و به همین دلیل بود که ما مراد خود را با آنها آغاز کردیم ."

خاطرات سیاسی

۶۶-۱۳۶۵

سید مهدی هاشمی

مصاحبه سید مهدی هاشمی

مصاحبه سید مهدی هاشمی در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۳ در آمریکا پخش شد . مطالب مطرح شده در این مصاحبه در رابطه با اهداف آمریکا از عملیات مکزیکارلین می باشد .

محمد علی رکنی ششمین

هیچ اعتراضی ننمودند .

ولی وقتی یکی از نامه های امام خطاب به فقهای شورای نگهبان که در آن به برخی از عملکردها و رفتار آیت الله خزعلی انتقاد شده بود ، منتشر می شود ، مورد اعتراض شدید و هشدار قرار می گیرد و این اعتراض ها به مجلس و مطبوعات نیز کشیده می شود . نامه ما به فقهای شورای نگهبان در مجله بیان (شماره ۵ و ۶ آبان ۶۹) بطور کامل چاپ گردید ، و این هم اعتراض شد .

در حالی که در مورد آیت الله منتظری هیچگونه اعتراضی نکردند . نه به اینکه چرا اسناد درونی و خصوصی انقلاب در اختیارنا محرمان قرار می گیرد و نه به تقطیع آنها و عدم رعایت آنها . در رابطه با آیت الله منتظری نه تنها کاملاً نامه ها چاپ نگردید ، بلکه اطلاعیه های از نامه ها که در راستای نیت نویسندگان بوده است فاش شده است . و تعجب اینکه کسی هم به آن اعتراض ننمود .

نکته ای که حائز اهمیت است اینکه اخلاق انقلاب در هر دو جناح ست شده است . به نظر ما اصولاً این روش درست نیست که در رابطه با نیا زهای یک جناح و مقابله با رقیب ، سند محرمانه یا منتشر نشده ای منتشر گردد . از آن طرف فقط وقتی اعتراض کنیم که انتقاد

متوجه خودمان با شده دیگران .

اما خمینی (ره) به شورای نگهبان و شورای تشخیص مصلحت نامه ها سی نوشته اند که بسیار حائز اهمیت می باشد این نامه ها به صورت علنی در مطبوعات و رسانه ها منعکس گردید . که اسنادی بر افتخاری است در تاریخ و فقط و فقط و مرزبندی فقها ما خمینی و فقهای حکومتی از فقهای برج در حوزه ها . امام خمینی در این نامه ها تعریف جدیدی از اجتهاد ارائه داده اند و اجتهاد اصطلاح را ناکافی دانستند و گفته اند بحثای طلبگی مدارس که درجه را خوب ثنوری هاست ، به تقاضای قانسون اساسی می نجامد و شهادت عارف حسینی را به این امر نسبت دادند که حوزه های علمیه روی اسلام آمریکایی کنار نکرده اند .

چرا این همه مواضع علنی و آشکار اما مرا کنارت گذاشته و متوسل به این استادمی شویم؟ پیشنها دما این است که با صبوری حوصله انقلابی مواضع فقهای امام پیگیری گردد . اگر بر اساس دستاوردهای فقها ما خمینی ، "فقه حکومتی" بر "فقه فردی" ، حکومت می نمود و ولایت پیدا می کرد ، انتخابات خبرنگاران رهبری بدین صورت نمی شد .

بیروان امام تا دیر نشده با بدین ضعف را جبران کنند .



محرمانه و با به عبارتی منتشر نشده انقلاب از طریق جزوه یا کتاب ، آن هم به صورت قطعه قطعه و نه کاملاً علیه آیت الله العظمی منتظری در ابعداد وسیع چاپ و توزیع شد . البته آیت الله منتظری به خاطر مصالح انقلاب ، خط مشی سکوت را انتخاب نمودند .

مخفی نماند که رسانه های گروهی نیز توضیحات دفاعی و مختصری را هم چاپ نکردند . تعجب اینکه زعمای قوم فقه های شورای نگهبان هیچکدام به تقطیع و تکه تکه کردن اسناد محرمانه آن هم علیه مرجع عالی قدر و شخصیتی انقلابی

در هر انقلابی اختلافات معرفتی و جناح بندی امریست طبیعی و حتی مفید ، به شرط آنکه با آن برخورد درست شود . انسان انقلابی نیز افکارش تغییر می نماید و ممکن است از جناحی به جناح دیگر تغییر موضع بدهد . ولی آنچه که با بدینا بت و پایداری رمانند ، همانا "اخلاق انقلاب" می باشد .

توضیح اینکه اگر شخص یا جناحی به شخص یا جناح دیگر انتقاد دارد ، از آنجا که این انتقاد متوجه رفتار آن شخص یا جناح است لذا ارزشها و شخصیت مخاطب خود را نمی ننموده ، بلکه موجب رشد آنها نیز می گردد . متأسفانه در این دو سال اخیر ، شاهد آن بودیم که اسناد



از آنجا شیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رور مینماید، بر آن شدم مجموعه ای از اخبار مهم را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیلها ی سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دیدگاه استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم. ضمناً " راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند.

۱۳۲۰ به عنوان کوبیدن دشمن بخوانند از اراضی ما عبور کنند.

روند مذاکرات صلح هنوز به نتیجه مطلوب خودش نرسیده است.

... این کشور (عراق) به هیچیک از گفته‌هایش عمل نکرده، مسئله مین گذاری مرزی به کندی و با بیانه جویی پیش می‌رود و متوقف است مسئله روند و در اساکت گذاشته اند، گفته اند اول خشکی، بعد آب و چند هزار نفر از زندگان و آزادگان ما هنوز در زندانهای صدامند. وی با ابراز تنفر عمومی از رژیم عراق گفت: وقتی چهره زشت و پلید صدام در سیمای جمهوری اسلامی ایران نشان داده می‌شود، صدها هزار خا نواده، قاتل فرزندان خود را در این برده می‌بینند و رنج می‌برند.

ادعای گاذب مبارزه با صهیونیسم از جانب سوریه و عراق

... سوریه ای که می‌گوید من ۵۰۰ هزار نیرو و در خلیج فارس می‌کنم که در کنار نیروی آمریکا باشد، چرا از این نیروی عظیم در این مدت برای آزادی جولان خودش استفاده نکرده است؟ عراقی که می‌گوید: من به اسرائیل حمله می‌کنم چرا اسال با کشور اسلامی ضد اسرائیل ایران جنگید؟ چرا لا اگر راست می‌گویند آقای سوریه و آقای عراق به ما راه بدهند، فقط راه، ما خودمان می‌رویم می‌رسیم به نوار غزه و آن سرزمین را آزاد می‌کنیم و این هیچ شاکل بین المللی و قانونی و سازمان مللی هم ندارد. وقتی ۱۶ کشور برای نجات کویت به خلیج فارس می‌آیند، چرا مسلمانان برای نجات قدس و ارد سرزمین ناپاک اسرائیل نشوند؟

همه چیزش را بگیرد. در سایه هیچ مجاهدتها یی که حاضر می‌کنیم. و هیچ وقت هم در تاریخ ایران از گذشته تا به امروز این همه نیرو به سرا بران نریخته بود، شرق و غرب و ارتجاع و صهیونیسم و همه بسیج بشوند برای اینکه به کشوری ضربه بزنند. دفعات قبل با یک حریف طرف بودند و بخشی از ایران را از دست دادند، و این اتفاق جالبی است. هر کس منصف باشد و قضاوت بکند در این جنبه و بداند که آن طرف چقدر شیطان پشت سرش بود و این طرف چقدر مظلوم و تنها و روی پای خود و غربیانه جنگید و دفاع کرد و نتیجه این شده باشد، این خیلی قضاوت آسانی است که با این پیروزی مهمی است.

● خطر صلیب - صهیون

آقای فخرالدین حجازی نماینده تهران در جلسه علنی ۶۹/۹/۱۴ مجلس سنا نی بهرامون ضرورت مبارزه با صهیونیسم، اهداف غرب از حضور در منطقه، موضع سوریه در قبال اسرائیل، لزوم عدالت اجتماعی و خطبه‌های نماز جمعه ایراد نمود که به بخشهایی از آن می‌پردازیم: (کیهان ۶۹/۹/۱۴)

خطر صلیب - صهیون، همه بلاد اسلامی را تهدید میکند.

ایشان با اشاره به حضور نیروهای استکبار جهانی در منطقه گفت: آنها می‌خواهند با این جنگ راه را با زکند برای اسرائیل، تا به اردن حمله کند و برخی دیگر از سرزمینهای اسلامی را بگیرد و شاید هم ضربه ای هم به ایران اسلامی وارد شود.

خطر بزرگ است و ممکن است آثارش را بر افروزند و بعد به بعضی جزایران اسلامی تاج و زکند یا از فضای ایران استفاده کنند یا مثل تاج و زشهر سور

اخبار جنگ و صلح

خطبه نماز جمعه حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی

۶۹/۶/۳۰

● دلایل پذیرش قطعنامه

موقع موقعی بود که ما را قانع کنند و به ما امتیاز بدهند، البته نه امتیاز اخافی از حقان، به انداز حقان آن موقع دادند. خوب، سیاست شد اجرای قطعنامه. این مقطع فاصله مقطع تدبیر است که با از چیزهایی است که توقع نباید داشته باشد که ما بگوئیم. من از این فصلها بعداً در یک وقتی که تا ریش با بد نوشته بشود و وقت مناسبی برسد عرض خواهم کرد که تدبیرهایی که مخصوصاً در این مراحل اخیر آن روزی که شورای عالی امنیت ملی کشور تشکیل شد و مسئولان اصلی کشور بعنوان مشاور رهبری در آنجا مشغول شدند و مسائل را مورد دقت قرار دادند و رهبری اشراف کامل بر جریانات کار داشت. تدبیرهایی اعمال شده فعلاً نتیجه اش این است که الان داریم می‌بینید. که قطعنامه ما با اید اسم این را بگذاریم پیروزی، چون از همه بعد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی پیروز شد. بخشهایی از پیروزی هنوز در دسترس نیست که ما در مسیرش هستیم و امیدواریم که آن قسمت‌ها هم تکمیل شود. ولی آنچه که تا به حال بدست آوردیم عمده خواستهایی که ما برای آن دفاع می‌کردیم، الان بدست آورده ایم. چرا جنگ شروع شده بود؟ برای اینکه انقلاب ما را با شکست و از بین ببرند یا ضعیف کنند و حاکمیت را ببینند. یعنی امروز هیچ آدم کودنی در دنیا نیست که تفهمد که جمهوری اسلامی در اوج عزت و انقلاب اسلامی در اوج مقبولیت خودش قرار دارد. کشور ما را می‌خواستند، خوزستان را یا مرزها را عوض کنند، شما دیدید که حتی یک وجب هم از خاک ما و سرزمین مقدسان از دستمان جدا نشد، به قبول یکی از محققان می‌گفت: هر وقت در اطراف ایران جنگ شد، بخشی از ایران جدا شد غیر از این با رکه ایران توانست

البته ما استراتژیما ن همیشه صلح بود. برای رسیدن به صلح راه قطعنامه را انتخاب کردیم. خوشبختانه آن روز روشن شد که این از نقطه ضعف نبود، چون به محض اینکه عراقیها نپذیرفتند و پیشروی کردند در خاک ما و فرمان بسج ما در شد و مردم آنطوری وارد جبهه شدند. روز آخر با دتا ن هست که نیروهایی که با رها و با رها جبهه بودند در همه جا حضور داشتند یک دفعه ریختند به جبهه و ما بیشترین نیرو و امکانات را در طول جنگ در همان یک ماهه آخر جنگ توانستیم جمع بکنیم ولی چون تصمیم اما ما این بود (راه درستی همان انتخاب شده بود. آن روز، برنا مهربی شده بود) که نه، دیگر جنگ ادا می‌باید نکرد، جنگ ختم شد و نیروهای ما عسائی هم از جبهه برگشتند، واقعاً برای ما مشکل نبود. آنقدر فشار بود از طرف قرارگاهها که اجازه بدهید ما یک کاری بکنیم و پاک بکنیم این دوتا موفقیتی که عراقیها داشتند که در حد دفاعی جا زده شده بود. امام موافق نبودند، اجازه نمی‌دادند. حتی آنها بمباران می‌کردند ما می‌گفتند به انداز آنها بزنید، بیشتر نزنید. خوب این مرحله تمام شد و مرحله مذاکرات برای اجرای قطعنامه رسید. قطعنامه هم به نفع ما بود. اگر با دتا ن باشد ما قطعنامه را در همان موقعی که در اوج پیشرفت بودیم در خاک عراق رد نکردیم، قطعنامه ما در شد. ما گفتیم نه می‌پذیریم نه رد می‌کنیم. برای اینکه قطعنامه را قبول داشتیم. واقعاً به همین دلیل رد نکردیم. موقعش هم که رسید قبول کردیم. برای اینکه همه مصالح و منافع ما را و حق و عدل را در آن گنجانده بودند. چون در موقع قدرت ما تنظیم شده بود. معلوم نبود اگر آخر جنگ این قطعنامه می‌خواست درست بشود به این صورت در می‌آمد. آن

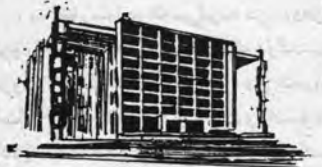
عدالت اجتماعی مقدم است بر باسزای

اما در داخل کشور انسجامی و قدرتی و وحدتی، وقتی ما می‌خواهیم با صلیب صهیون بجنگیم باید خود استوار باشیم و برادر آنچه در این ام القری و در این سرزمین مقدس لازم است ایجا دعالت اجتماعی است. و ما قبل از سازندگی و قبل از اینکه بپردازیم به کار اقتصادی با دیدن برداریم به کار استحکام عدالت اجتماعی.

... وقتی در کشور ما، بولداهای ۱۷۴ برابری بولها، گوشت و ۳۳۰ برابری بی‌بولها میوه مصرف می‌کنند، وقتی حداقل در آذربایجان در کشور ما روزی ۵۰ تومان و حداکثر در آذربایجان در روز یک میلیون تومان است ما نمی‌توانیم این ام القری را مستحکم نگه‌داریم و با خصم بجنگیم.

در مسئله ازدواج، وقتی در یک شهر یک نفر بولداهای ۳۰۰ نفری هستند، دخترش به تعداد آیات قرآن ۶۶۶ سکه بها آزادی است نتیجه این می‌شود که جوانان دیگر نتوانند ازدواج کنند. و فساد بی‌سوزی در اینها در زمان حکومت جناب مهندس موسوی می‌گفتند چون این دولت یک دولتی است که افکار چینی دارد، با او همکاری نمی‌کنیم. حالا حکومت جناب هاشمی رفسنجانی که اسلامی است و ما هم قبول داریم، این آقایان به این دولت چه کمکی کردند؟ ۱۶۰۰ میلیارد تومان موجودی نقدینده است. چرا اینها را به جریانی نمی‌اندازند؟ چرا اینها را در کارهای تولیدی شری نمی‌دهند؟ که هم جوانان به کار مشغول شوند و هم مملکت بتواند تولید خودش را گسترش بدهد؟

.....
.....



اخبار مجلس

○ توطئه‌های جاری امپریالیسم علیه جهان اسلام و عدم مقابله سران کشورهای اسلامی با آن قسمت‌هایی از نطق قبل از دستور آقای محتمی نماینده تهران

(کیهان ۶/۸/۶۹)

... از یک طرف تمام عزت، شرف و

آرمانهای مقدس اسلام انقلابی در خاور میانه و خلیج فارس و در سرزمین مقدس وحی، زیربانی امریکا لگدکوب می‌شود و علیه مردم دیدگاه روشن انقلاب اسلامی و رهبریش مبنی بر جهاد، آزادی مجریان امر و کشور و مردم را در کشورهای اسلامی هیچگونه حرکتی، قیام و برپا نهادن آزادی اجرا می‌شود و عملی انجام نمی‌شود. و آزادی دیگر رژیم اشغالگر فلسطین با خیال راحت دست به قتل عام مردم بی‌دفاع فلسطین زده و... و در همین حال طرح امریکایی طائف برای خلع سلاح نیروهای مبارزان مسلمان حزب الله و فلسطین در لبنان با کمک سران مرجع عرب به مرحله اجرا گذاشته می‌شود و با فشار سیاسی کشنده آزادی جناحها و رسانه‌های مختلف، زمزمه آزادی قریب الوقوع گروگانهای غربی و امریکایی قوت می‌گیرد. این در حالی است که امریکا اکنون کل خاور میانه را در گروگان خود دارد... این غروب غمگین در سالگرد طلوع پیام الله شکوهمند انقلاب دوم، روز افتخار آفرین ۱۳ آبان و فتح لانه جاسوسی به دست فاتحان بزرگ، دانشجویان بی‌روخت اما مومنان لگد می‌زنند و فریاد می‌زنند اما مرا حلما نبر علیه امریکا و جریانی که بیتولاسیون است.....

● چگونه آینده انقلاب را تضمین کنیم؟

سپس ایشان اشاره کرد آینه انقلاب موارذ میرا می‌طلبد:
- استمرار خط اصولی انقلاب و دستاوردهای آن در تمام زمینها و هوشیاری و مقابله با توطئه‌های لیبرالها، انجمن حجتیه‌ها و طرفداران اسلام امریکایی و عدم عدول از اصل نه شرقی، نه غربی.

- لزوم حفظ مردم در صحنه با عمل به اصول و آرمانهای انقلاب و امام...
.....

- حفظ حرمت و اقتدار نمایندگان مردم... این روزها علیه مردم تا کیدات حضرت امام موقر رهبری و اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۸۴ و ۸۶ که می‌گوید: "نمایندگان مجلس در مقام ابفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظریاتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرای که در مقام ابفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب و یا توقیف کرد". یا شاهد تحرکاتی در جهت حذف نمایندگان جناحی باشیم که مصلحتاً در خط امام و انقلاب هستند.

● یکی از عوامل اصلی شهادت مدرس استیضاح رضاخان بود

آقای حائری زاده نماینده بیرجند (رسالت ۱۳/۹/۶۹)

اما موبیشوای را حلما ندر باره مدرس فرمود:
"مدرس یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به پول".

آن شهید و الامقا مازمبازان روحانیت شیعه است. یکی از عوامل اصلی به شهادت رسیدن مدرس استیضاح رضاخان بود. رضاخان خود را در مقام رئیس الوزرای ابقاء کرده، به سرعت به سرکوب مخالفان پرداخت، با همکاری مزدوران سلطه خود را بر امور کشور گسترش داد و گوناگونیهایی مخالف را یکی پس از دیگری سرکوب کرد. رضاخان از دو چیز وحشت داشت: یکی از انتقاد جریانی و دیگری از عکس العمل نمایندگان مخالف در مجلس. از افرادی مثل مدرس، رضاخان جرایم مخالف را به یکباره توقیف کرد. مزدورانش در مجلس چنان فضا را بر مخالفین تنگ کردند که دیگر امکان مخالفت وسیع سابق وجود نداشت. هرگاه مخالفین می‌خواستند در مجلس به او حمله کنند، طرفداران وی حتی با توسل به جارجنرال نمی‌گذاشتند سخنی در این مورد به زبان آورده شود. در چینی...
اوضاعی، در هفتم مهرماه ۱۳۰۳ مرحوم مدرس به همراه اقلیت مجلس تصمیم به استیضاح کابینه رضاخان گرفتند. موارداستیضاح: سو، سیاست نسبت به داخله و خارجه، قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه، توهین به مجلس شورای ملی، و تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت. روز استیضاح، رضاخان عده‌ای از طرفداران خود و عده‌ای هوجوی را به اتفاق عده‌ای نظامی که تغییر لباس داده بودند به مجلس فرستاد تا هوو جنرال کنند و جو سازی نمایند. ظهر همان روز وقت خروج مدرس و کلای اقلیت، وکلای اقلیت مورد ضرب و شتم چاقو کشان و او با شرف رضاخان، قرا گرفتند و مصونیتی برای نمایندگان مجلس باقی نماند. استیضاح هم لوٹ شد....

راه مجاهد:

شهید مدرس، مرحوم مصدق و امام خمینی (ره) شیوه‌شان این بود که با اهرم توده‌ها روی مصوبات مجلس اثر می‌گذاشتند. حتی اما مدر یکی از سخنرانها نشان به این حرف مصدق در میدان بهارستان در میان مردم استناد کرده بودند که "اینجا مجلس است نه آنجا".

ولی رضاخان و اذنایش از طریق دستهای مرموز و شعبان بی‌مخها و اراذل و اوباش نمایندگان را تهدید نموده تا بدین ترتیب روی مصوبات مجلس تأثیر بگذارند. و گاهی تشنجات مصنوعی هم به پا می‌کردند تا بهانه‌ای برای تعطیل مجلس داشته باشند. مسلماً هوشیاران و صابحنظران بین بسیج مردم و تجمع دستهای مرموز و مزدگیران فرق می‌گذارند.

● ساد زبستی و ازدواج موقت

آقای فرزند نماینده تفت (کیهان ۱۴/۹/۶۹)

... مطالبی که اخیراً در خطبه‌های نماز جمعه مطرح شده است، آنچه که مربوط به شهادت شخص ریاست جمهوری در طرح نقطه نظرات و دیدگاههای خودشان است قابل ستودن است و به عنوان برداشتهای خود ایشان پذیرفته است. آنچه که در لایه‌های طرح دیدگاهها در بحثهای اسراف و زهدگرایی تلاش برای کوبیدن یک جناح و جمعیتی به صورت غیر واقعی شده است به نظر اینجانب محل بحث زیادی است و اینجانب از عزیزان و بزرگان و اسرافان می‌خواهم که این مباحث در صورتی که قرار است به عنوان روشها و دیدگاههای حکومتی مطرح شود مورد بحث و نقد جدی واقع شود. چرا که در اکثریت اخبار و احادیث و کتب با وسنت آمده اظهار و پیامبرگرمی اسلام، ساد زبستی بخصوص برای مسئولان و بزرگان و خدمتگزاران مردم به عنوان یک ارزش مطرح بوده است... انتظار این بود که ابتدا ساد ازدواجهای سخت و سنگین چند میلیون تومان بی منفور و ضد ارزش و ضد اسلام معرفی شود و همه دعوت شوند به اینکه در راه ازدواج، هم سختگیری‌های بی‌جا و بی‌مورد نباشد، همه دولت تسهیلات آن را فراهم کند، البته اگر در پایان آن بحث دیدگاههای شخصی اسلام و برپا نهادن اسلام برای حل مسائل جوانان ندارد مطرح می‌کردیم، جا داشت....

راه مجاهد:

ضمن تأکید مواضع فوق، در حالی که بسیاری از دولت‌مردان به پیمان منطقی فکری می‌کنند، پیمان که دامنه آن به کشورهای مصر، عربستان، ترکیه، پاکستان و... می‌رسد آیا بحثهای ازدواج موقت و امثالهم بحثهای فرعی به نظر نمی‌رسد؟

گفتنی است که عبدالله بشاره رئیس شورای همکاری خلیج طی مصاحبه‌ای گفت از آنجایی که ایران به اهداف انقلابی خود نرسیده، لذا خواهان وضع موجود بین المللی است. بی‌شک این می‌تواند یک عضو مؤثر از این پیمان منطقه‌ای مرکب از امیرنشینهای خلیج فارس، عربستان، مصر، ترکیه و پاکستان باشد.

بخشهایی از سخنان آقای یوسف پور نماینده اردل در جلسه علنی ۶۹/۹/۱۳ (پیاپی ده شده زوار)

● سعه صدر در تحمل نظرات دیگران ... یکی از اعضای محترم جامعه مدرسین نقل می‌کنند که حضرت امام در جمعی فرمودند که آقایان می‌توانند از سهم ما منبکسانی بدهند که به حوزة بیابند و فلسفه آرائی و عقاید او را تدریس کنند. حال چگونه است که عده‌ای دست اندرکار در حرکت‌های دانشجویی در سالهای گذشته فقط از یک طیف خاص استفاده می‌کنند و تریبون دانشگاهها را در اختیار آنان قرار می‌دهند و به هیچ قیمتی حاضر نیستند که تحمل اظهار کوچکترین حرفی را از طرف مقابل بکنند؟ ... وقتی که نظریات ارانی ملحد و کمونیست باعث شکوفایی حوزة های علمیه و روشن شدن حقانیت اسلام می‌شود، چرا شما اینقدر حساسیت به خرج می‌دهید؟ شما که همیشه فریاد آزادیخواهی و دمکراسی سر می‌دهید این چه آزادی و دمکراسی است که حاضر به شنیدن آراء کسانی که اختلاف سلیقه جزئی با شما دارند نمی‌شوید؟ ...

راه مجاهد:

اگر چه جامعه مدرسین از این دیدگاه امام (ره) اطلاع داشته اند تعجب اینجاست که چرا با نیروهای عدالت طلب برخورد حذقی می‌شود و همه را با انگ و برچسب کمونیسم و التقاط و تعقل گرای و ... از میدان بدر کردند و هنوز هم این برخوردها ادامه دارد؟

اقول در یک چشم بهم زدن؛

.. اخیراً ناظین پیش از دستور از فردی به نام ابوالفضل انقلاب نام می‌برند که مظلوم واقع شده است ... سابقاً انقلابی داشتن و خدمت به انقلاب نمودن برای هرفردی لازم است ولی کافی نمی‌باشد. هر زمان که اطاعت و تبعیت عملی از ولی فقیه زمان است که ملاک تائید افراد می‌باشد. کما اینکه بزرگترین سپهر حضرت ابوالفضل (ع) متابعت از مولای رهبر زمان خود بود. همگی به خاطر داریم که قائم مقام رهبری سابق که عموری در مبارزه با رژیم شاه در زندان و تبعید بسر برد و در پیروزی انقلاب نقش موثری داشته اند به علت عدم اطاعت از ولی فقیه و استناد دوماه خود را در یک شبهه تمام سواست خود را فنا نمودند ...

در اینجا لازم است که قسمتی از نامه حضرت امام به نمایندگان مجلس ووزرا را بیاورم که می‌فرماید: "با دلی پر خون حاصل عمر مرا برای مصلحت نظام اسلام کنار گذاشتم" و ادامه می‌دهند: "سفا رش

این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام مشوخی بردار نیست و در صورت تخطی هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد ... در این راستا این حقیر وظیفه خود می‌داند که قسمتی از عملکرد ابوالفضل ادعایی آقایان را روشن نمایم. فرد مذکور در سال ۶۷ در مقام وزارت کشور بدترین توهینها را به ریاست جمهوری وقت نمودند که تا آن زمان رادیوی اسرائیل به دشمنان خود اینگونه توهین ننموده. این شخص سه روز بعد از اینکه رهبری معظم انقلاب با قلبی گرفته و ناراحت از ۵ - ۴ نفر صدای اسرائیل به فریاد می‌آیند. این ابوالفضل ادعایی با کمال وقاحت از آنان پشتیبانی می‌نماید و با این تحلیل که غروب غمگین انقلاب فرا رسیده تمام مسئولین نظام را به زیر سؤال می‌برد ... و با مطالب مجله بیان خود به تمامی مقدسات اسلامی هنگامی می‌نماید و در این راستا میزان بازرگان و انقلاب اسلامی بنی صدر را روسفید می‌نماید ... "

● ملاک اصولی تبعیت از مقام ولایت کدام است؟

آقای حسینی نجفی نماینده خواف (کیهان ۶۹/۹/۱۴)

.. متأسفم که در روزی برای در عریزی به جای اینکه در نطق قبل از دستور خویش صحبت از وحدت و انسجام نماید به مراجع تقلید که حیثیت مردم و انقلاب در گرو آنهاست حمله می‌نماید و با هیچ نیاز انقلاب حاج آقا محتشمی، کسی که عمر خود را در مبارزه علیه استکبار گذرانده و خدمات ارزنده و در لب تابان و ایران در جهت پیشبرد اهداف عالیه انقلاب و تقویت حزب الله بر هیچکس پوشیده نیست و مبارزه را تا به آنجا ادامه داده که مورد خشم شیطان بزرگ قرار گرفته و دست خود را از دست می‌دهد، حمله می‌نماید آیا شما می‌توانید بگوئید یا نه انقلابی نیستند؟ آیا می‌توانید بگوئید که مسلمانان با این بیرونده ضد ولایت است؟ خوبید انید که اگر شما در حرف و شعار پشتیبان رهبری هستید، ما عملاً در خط رهبریم و به آنها می‌گوییم که خواسته باشند آوای جدایی، خط امام (ره) از رهبری را سر دهند و توهنی خواهد کرد ... باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جنتا محافل است برهیز نموده، شما آنقدر دشمن مشترک دارید که با بدبا همه توان در برابر آن بایستید. "

راه مجاهد:

خداوند به بیابا مبر (ص) می‌گوید: " ... و اتبع مله ابراهیم ... یعنی از آئین ابراهیم پیروی نما. آبا می‌توان نعوذ بالله به خدا و ندا عترت از کرد که چرا به بیابا مبر اکرم (ص) مرفر موده از آئین بیابا مبری که در قید حیات نیست تبعیت کند؟ با بدتوجه داشت دستا وردهای یک انقلاب توحیدی، مردمی و محروم گرا با آن همه خون و ایثار را نمی‌توان مشمول احکام مصطلح فقه‌جاری کرد و به آن نگ مرده و بی‌خا صیت زد. اما خمینی (ره) هم به متدلوزی این احکام انتقاد داشتند و هم اجتهاد مصطلح را ناکافی می‌دانستند رهبری فعلی هم خود مواضع و خط امام را پذیرفته اند و خود را ادامه دهنده راه امام می‌دانند در غیر این صورت که نمایندگان مجلس و مردم معتقد به انقلاب و خط امام با ایشان بیعت نمی‌کردند.

در مورد آیت الله منتظری هم که ادعا می‌شود همه آنچه داشته یک شبهه فنا کرده اند با بدگفت هیچ استدلال قانع کننده‌ای تا کنون بیان نشده است. اگر چه گفته شده این قضا با به منظور حفظ نظام بوده ولی ارکان اصلی نظام نظیر مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی، روسای سه قوه و همچنین جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین همگی سکوت کردند، در حالی که در دیگر موارد طومارها می‌دادند. به مردم هم هنوز یک تحلیل واقعی از این قضیه ارائه نشده است.

● چه کسی اسلام، فقه و فقه‌هاست را تشناخته است؟

آقای توحیدی نماینده بروجرد (کیهان ۶۹/۸/۶)

" چگونه است در زمانی که شرکت در انتخابات تکلیف شرعی است برخی از آقایان فتوا صادر می‌کنند که اگر ما فکر کنیم آن قسمتی که برای داده اند تکلیف شرعی انجام داده اند و کسی که شرکت نکرده اند مرتکب حرام و کفر و خلاف و ضد انقلابی شده اند این یک اشتباه است یعنی اینکه ما ملت را تشناخته ایم. با بدگفت که شما اسلام، فقه و فقه‌هاست را تشناخته اید ... اشتباه او نمودن احکام از طرف فردی غیر مجتهد مثل شما توهین به فقه و فقه‌هاست می‌باشد. " (با آوری می‌شود آقای توحیدی در بخشی از سخنان خود، که در کیهان درج نشده و از زبانش مستقیم مذاکرات مجلس از راه دوشنیده شده است، مطالبی را جمع به دفتر تحکیم وحدت نیز بیان داشت از جمله این مضامین: " اعلام هفته مبارزه با استکبار از سوی

این دفتر کاری غیر قانونی است، عوام ملی مزدور نیز در این دفتر فعالیت می‌کنند، این دفتر، دفتر تحکیم وحدت نیست و عامل تفرقه است و ... "

راه مجاهد:

در جامعه ما برداشتهای متفاوتی از اسلام، فقه و فقه‌هاست وجود دارد و به این آسانی به هرفردی جریانی نمی‌توان گفت که فقه و فقه‌هاست و یا حتی اسلام را تشناخته است. به عنوان نمونه، امام (ره) معتقد بودند که اجتهاد مصطلح در حوزه‌های کافی نیست و کسی را که با فقه حکومتی بیگانه بود مجتهد را مع الشرايط نمی‌دانستند، در حالی که ملاک بسیاری از علما، حوزه برای اجتهاد شخصی همان "اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها" می‌باشد. حال تعویذ بالله ما، اسلام، فقه و فقه‌هاست را تشناخته است یا علما، مورد نظر؟ نمونه دیگر اینکه ما می‌گفتند و نوع عقل و شرع وجود دارد: عقل و شرع حسینی و عقل و شرع غیر حسینی. سؤال این است که چه مرز شخصی بین علما و مجتهدین برای این دو نوع عقل و شرع وجود دارد؟ به حال اینها مسأله‌ای است که برای بسیاری از جوانان دلسوخته اسلام و انقلاب، هر چند کم تجربه، مطرح است و تنها با مارک و تخطئه یا سخنی برای آنها نخواهیم یافت.

● بعد از انقلاب به فقه و فقهاء عنایت کافی نشده است.

آقای قاسمی نماینده ورزقان (کیهان ۶۹/۹/۲۱)

" ... بزرگترین مشکل این انقلاب و کشور از وظیفه شناسی سرچشمه می‌گیرد. هم‌دین، هم‌علم، هم‌عقل و هم‌تأمل مدنی، این اصل را پذیرفته اند که بشر برای رفیع‌نیا ز خود در هر موردی با بدبه مجتهد و متخصص آن علم را جمع کند. بعد از انقلاب به میزانی که جامعه به طرف اسلام و اجتهاد و فقه‌هاست می‌رفت با بدبیش از پیش به این مسئله توجه می‌شد، ولی متأسفانه کمتر عنایت شده و گروه و جناح‌هایی برای اینکه بتوانند خود را به جامعه تحمیل نمایند، هنوز از گسرد راه نرسیده مجتهد سر خود، متخصص پیش ساخته و فقیه‌ها در زادند و می‌خواهند جای علما و فقهاء و متخصصین و صاحب نظران متقی و مجاهد و اصلی و واقعی اسلام را بگیرند. اینها نظری می‌دهند، تطبیق و تفسیر می‌کنند و ... "

راه مجاهد:

به توضیح مطلب با لاتوجه شود.

● رابطه اصول انقلاب و قانون

آقای نجفقلی حبیبی نماینده تهران (ابراهیم ۶۹/۷/۳۰)

مسائل و حوادث کشور در ابعاد داخلی و خارجی و اظهارات و اعلام مواضع و اعمالی که همه به نام انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد، سئوالاتی را در ذهن بوجود می‌آورد: آیا انقلاب اسلامی جدای از اشخاص و متولیان و کارگزاران هویتی دارد؟ آیا اصول انقلاب اسلامی همان است که کارگزاران مطابق فهم و سلیقه و بینش خود مطرح می‌کنند، یا هویتی مستقل و ملاک و معیار خاصی دارد؟... آیا اصول انقلاب از یک کتاب معین و از یک بینش معین و از یک جمع معین سرچشمه گرفته یا نه؟ و رابطه اصول انقلاب

اسلامی با قانون چگونه است؟ یعنی آیا حتی با قانون اساسی می‌توان اصول انقلاب اسلامی را تغییر داد و پس از تغییر با زهم نام آن را انقلاب اسلامی گذاشت؟ ...

اگر این اصول بر اساس تفسیر به رای این و آن و با دیدگاه و تلقی خاص کارگزاران در طول تاریخ در گون شود، هویت خود را از دست می‌دهد، به عنوان مثال آنچه که در انقلاب سوسیالیستی رخ داد، نمونه روشنی است، یک انقلابی رخ داد تحت عنوان سوسیالیسم، بعد از آن با تلقی خاص خودش و پس از او استالین و هرکدام چنان تغییراتی در آن دادند که ماهیت آن را مسخ کردند و همه می‌دانند که پرسترویکای گورباچف با یک من سریشم هم دیگر سوسیالیسم نیست و مسلماً اغلب این تلقینها با

قانون صورت گرفته است، آیا در اصول انقلاب اسلامی نیز چنین امری رواست؟ ... متأسفانه کمتر روزی است که نگارنده در این مورد افزایش نیابد، مثلاً اگر دفاع از حزب الله را نظر حضرت امام از اصول گذشته نپذیرد، انقلاب اسلامی است، حذف گسترده این قبیل نیروها گامی با حلقه واسطه و گامی بدون آن در اکثر سازمانهای دولتی و قلمی مشاهده می‌شود که امریکا و غرب این جا بگزینی نیروها را چراغ سبز تلقی می‌کنند و خوشحالی خود را پنهان نمی‌دارند ...

(با دآوری می‌شود ایشان در این رابطه به ذکر مواردی هم راجع به سیاست خارجی پرداخت).

راه مجاهد:

در تاریخ معاصر ایران چهار جریان

استراتژیک، عقیدتی مشهود است: اول - جریان معتقد به احکام رایج و مصلح‌سالها. دوم - جریان معتقد به قانون اساسی و جایگاه آن در اسلام. سوم - جریان معتقد به انقلاب. چهارم - جریان معتقد به قرآن و سنت انبیاء و ائمه اطهار. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی هر چهار جریان در یک راستا قرار گرفتند و جریان چهارم، جریان اول و دوم و سوم را تعالی می‌داد. ولی اگر پیوند و مرز بین چهار جریان مشخص نشود، حتماً به تعارض می‌انجامد، حال که این بحث شروع شده، از ما حجب نظران و دلسوزان انقلاب می‌خواهیم که به آن بیشتر بپردازند.



آقای اصغر زاده نماینده تهران

ابراهیم ۶۹/۷/۲۵

... اینکه دوستان فکر کنند جناح راست پیروز شده و حالا هرکاری خواست بکند و هر چه به ذهنش آمد بگوید و ساده‌ترین مبادی اخلاقی را زیر پا بگذارد و بر بنده بسیار رگرا ن آمد. حال اگر آقایان متنبه می‌شدند و به اشتباهات خود اعتراف می‌کردند بنده نیز دخالت نمی‌کردم. آقای هاشمی نیز مطالبی در نماز جمعه مطرح فرموده اند که دور از انصاف است ...

● خطاب به جناح موسوم به راست

... کسانی که پای صندوق رأی حاضر شدند بیشترشان همان بیرون گروهی بودند که آنها را شما را دیکال می‌خوانید. همان محرومین و جناحی هستند که بنا به وظیفه‌ای که احساس کردند پای صندوق رأی حاضر شدند و جای سیاسی دارند و رأی حاج احمد آقا و آقای هاشمی رفسنجانی در تهران که اتفاقاً شما ارادت چندانی نیز به آنها ندارید متعلق به همین گروه است. حتی شما به دوستان آن اعلام کردید که احمد آقا از ما نیست و ما مطمئنیم که یک نفر از شما به او رأی نداده‌اید. سرحدی زاده که قطعاً یک نفر از شما به او رأی نداده در شهر تهران در برابر عسکرا ولادی این ادعا را به‌راستی ثابت می‌کند... در شهر تهران آقای هاشمی کمی بیشتر از یک میلیون رأی آورده است. آقای حاج احمد آقا نیز ۹۸۸/۰۷۵ رأی و تنها رأی سه نفر دیگر بالای رأی معادل آقای سرحدی زاده است (...). یعنی در تهران نفر ششم که آقای محمدی گیلانی است ۵۹۰۹۷۷ رأی آورده که زیر رأی است

درباره انتخابات خبرگان دوم رهبری

که آقای سرحدی زاده آورده (کاندیدای جناح مترقی) یعنی ۱۴/۱۴۳ رأی و یک نفر از طرفداران جناح راست به سرحدی زاده رأی نداده ولی تمام کسانی که به سرحدی زاده رأی داده‌اند، به یک یا دو نفر یا چند نفر از خبرگان رأی داده‌اند که قطعاً احمد آقا و آقای هاشمی بوده‌اند. یعنی قریب دو سوم رأی این هردو متعلق به جناحی است که شما را دیکال است، پس بغیرا شید که جناح راست برنده شده‌اند؟ ... قوی‌ترین رأی جناح راست در تهران که همین تعداد به لیست اختلاف جا می‌دهد روحانیت می‌بازر و مجلس خبرگان بطور میانگین رأی داده است همان رأی آقای عسکرا ولادی یعنی ۴۶۱/۴۵۹ رأی است ...

● همه کسانی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند ضد انقلاب نیستند

... خیر، به اطلاعات برسانم که علیرغم دو هفته تبلیغ مداوم، هزینه تبلیغاتی سنگین، دهها و صدها اعلامیه و اطلاعیه، اعلام حمایت و سخنرانی و اطلاعیه‌ها مراجع و تکلیف و وجوب شرعی، تنها حدود یک سوم جمعیت و اجد شرایط پای صندوق رأی آمده‌اند یعنی از ۳۱ میلیون واجد شرایط چیزی حدود ۱۱ میلیون نفر (که تازه اکثر آنها دیدگاه‌های سیاسی جناحی که خود را پیرو می‌دانند، مخالفند) یعنی با این تبلیغات شما می‌خواهید بگوئید بقیه، یعنی دوبرابر جمعیت شرکت کننده چرا مرتکب شده‌اند و با ضد انقلابند؟ ...

● دلایل عدم توجه کافی مردم به انتخابات خبرگان

۱۰۰ و الاثر شرعی کم‌کردن سوء و تصمیم گیری‌های غیر منطقی، مردم احساس کردند که در این انتخابات سنا ریویش

تنظیم شده است تا طی آن یک جناح قدرتمند و دلسوزان انقلاب حذف شود و چهره‌های میرز سرشناس خط امام نظیر حضرت آقای کروبی (...)، محتشمی ...، خلخالی، خاتمی، بیات و خیلی‌های دیگر نیز کنار گذاشته شوند و حتی مقدمات ملوک کردن برخی چهره‌ها را نیز فراهم آورند و این سنت سینه‌گذشته شود که عده‌ای و لوشورای نگهبان با هر مرتزبندی که دلش خواست بگوید چه کسی صلاحیت سیاسی دارد یا ندارد. این موضوع بسیار سنگین است که شورای نگهبان به عنوان عدم صلاحیت سیاسی، آقایان محتشمی و بیات و دیگران را رد کند ولی آقای خزعلی با آن نامه‌ای که امام می‌پیرامون ایشان نوشته‌اند تشخیص داده شود برای خبرگان رهبری صلاحیت دارد. فلان آقای را رد شود ولی آقای که مدعی است در مدت مدیدی برای اینکه دچار تقوایی نشود روزنامه نخواهد قبول می‌شود، ملاک صلاحیت و ملاک اشتها به تقوا چیست؟ و از کجا نازل شده است؟ یا کسانی که متهمند وقتی نامه به امام نوشته‌اند، ما می‌فرموده است اگر فحشها پیش را حذف کنند باقی‌مانده همان تحلیلها و مواضع لیبرالهاست، آیا اینها صلاحیت سیاسی دارند؟ نکته دیگر اینکه مردم احساس کردند که پوشش قانونی برای اعمال خلاف قانون به کار گرفته شده... بی‌اعتمادی به نفس قانونی عمل کردن تأثیر منفی گسترده‌ای داشته است... به عنوان مثال برخلاف قانون اساسی از بخش اطلاعیه هیئت رئیسه مجلس و یا بخش اخبار صحیح مجلس شورای اسلامی جلوگیری به عمل آمد و اطلاعیه‌های گروه‌های سیاسی خط امام از جمله اطلاعیه روحانیون مبارز که همه‌پا به گذران را امام می‌دانند و چهره‌های سرشناسی

نظیر رئیس مجلس، مشاور سیاسی رهبر، وزیر ارشاد اسلامی و دهها شخصیت برجسته انقلابی و نماینده رهبری در آن عضویت دارند و نوسور شود... تخلقات تبلیغاتی گسترده ما نند نما زجمع، بخش مطالبی از رئیس جمهور در روزهای گمیری ۰۰۰۰ (توجه شما را به گزارشات خبرگزاری جمهوری اسلامی از پای صندوقهای رأی بخصوص در قم جلب می‌کنم.)

سومین نکته مهم این بود که مردم در یک احساس جمعی با توجه به شرایط پیش آمده و تعداد دکاندیداها و عدم شرکت تعداد زیادی از علمای بلاد و با انصراف برخی از نامزادشدگان فکرمی‌کردند حق انتخاب با ایشان گرفته شده و با اساساً رأی‌شان خیلی نقش در آنچه اتفاق می‌افتد ندارد. در خیلی از جاها تنها یک رأی کافی بود تا کاندیدا به مجلس خبرگان را در بدو این نکته انگیزه مردم را به رأی دادن تخفیف داد و فکر می‌کردند که این انتخاب شبهه انتصاب است.

● مقایسه‌های آماری بین انتخابات خبرگان اول و دوم رهبری

در خبرگان قبلی در حالی که ۲۲۴۳۸۰۵۷ نفر رأی‌دهنده داشتیم، بیش از ۱۸ میلیون نفر شرکت کردند. یعنی بیش از ۸۰٪ ما متأسفانه علام‌کنیم که در انتخابات خبرگان دوم (یعنی انتخابات فعلی) علی‌رغم ۳۱/۴۳۳/۴۵۰ نفر و جدرابط کمی بیش از ۱۱ میلیون نفر شرکت کردند که کمی بیش از یک سوم می‌باشد. جالب است که کاندیدا نند در استان جمعیت تهران که سیاسی ترین استان مملکت است از ۲۹۸/۲۴۹ نفر و جدرابط شرایط، تنها ۱۹۰۷/۶۲۲ نفر شرکت کرده اند. یعنی ۳۰٪ آراء و جدیدین شرایط.

● ریشه‌های فکری قضایای خبرگان دوم رهبری

به نظر بنده از همان ابتدا اندیشه‌های سیاسی و فقهی حضرت امام در مملکت پایه‌گذاری شد. یک تفکر ارتجاعی که با این اندیشه‌های بلند تقابل داشت شروع به کارشکنی و تعارض کرده. معارضه این دو طرز تفکر در تمامی نقاط و مقاطع تاریخ انقلاب و در تمامی نهادها ریشه دواند و اندیشه ارتجاعی برای یافتن پایگاه‌ها برپا می‌ریزی کرد.

پیروان متحجرو دگما تیسیم آن اندیشه ارتجاعی حاضر شدند در مرحله‌ای نظام اسلامی را به پذیرندولی از اینک تفکرات سیاسی و اندیشه‌های فقهی مترقی‌نما ما مدرآن جاری باشد به شدت پرهیز داشته‌وارند.

دوستان عزیز متأسفانه اینجا اعلام

کنیم که در این انتخابات نه‌فای تحسینی وجود دارد و نه مغلوبی

، نه جناحی برده است و نه گروهی، آنچه در اینجا به طرح

گذاشته شد، حیثیت انقلاب و آبروی

نظام است که متوجه هر دو جناح است که بخشهایی از یکپاره‌نظام هستند و به دلیل عملکرد سوء می‌باستی متوجه نتایج ناگوار اروپا مدهای سنگین آن باشند.

شاخصهای اندیشه سیاسی فقهی امام خمینی

شاخصهایی که در اندیشه سیاسی امام به وضوح چشم می‌خورد و تا می‌نهضتها و حرکتیهای انقلابی و اسلامی گذشته در سرزمینهای اسلامی چه شیعه و چه سنی قادیان تفسیر و تعبیر آن نبوده و بیامیرامون آن بهین بست رسیده بودند عبارت است از: رابطه دموکراسی و حکومت اسلامی، مسئله‌های واقعی مردم، میزان قدرت مجلس شورای حکومت، قانونگذاری، طبقه حاکم، ارزش افراد، تساوی حقوق و نظایر اینها که نه تنها حضرت امام نقش آنها را به وضوح ترسیم کرده است که برای بقای آنها سازمانها و نهادهای سیاسی واجتماعی لازم را نیز طراحی و تشبیه کرده است و علاوه بر اینک طبقات محروم را احسان و طبقه‌های حاکمیت می‌دانست به رأی مردم و نقش مشورتی آنها و حق آنها در حکومت اصلت می‌داد و از آنها شجاعانه دفاع می‌کرد.

شاخصهای اندیشه فقهی آن حضرت نیز به صورت فتاوی انقلابی و تحول آفرین بخصوص در سالهای ۶۶ و ۶۷ ارائه شد که نوعی فقه حکومتی غیرمطلق و متاثر از زمان و مکان را ارائه داد و حرکتی را در حوزه‌های علمیه موجب شد.

● ویژگیهای جریان معارضه با اندیشه انقلاب و امام

- ۱- آنها مذهب را ذاتاً متاثر برپا هر نوع شیوه دموکراتیک در حکومت و اساساً ضد دموکراسی و ضد پارلمان می‌دانند و معتقدند رأی مردم در حکومت الهی (شوکراسی) نقشی ندارد و حکومت از بالا به پایین اعمال می‌شود و پارلمان نیز جز یک نهاد تشریفاتی و سمبولیک مفهومی ندارد.
- ۲- شعارهای آزادی اجتماعی، عدالت اجتماعی، ارزش افراد، مبارزه با سرمایه‌داران، مبارزه با غرب و آمریکا

دفاع از طبقات محروم و مستضعف و حتی کارگران و نمایان مینای اسلامی ندارد و جنگی محصول اندیشه‌های غیر اسلامی‌اند.

۳- فقه سنتی منهای دستاوردهای فکری و دیگر علوم بشری می‌باستی مورد استنباط قرار گیرد و تنها علماء و دانشمندان علوم دینی حق دخالت در تعیین سرنوشت و قیومت مردم را دارند.

● سیر تشریفات کردن مجلس شورای اسلامی

سازمان سیاسی رسمی است که هر گونه اقدامی برای تضعیف مجلس شورای اسلامی را مداخلات حمایت و سیاست توطئه آن تفکر معارضه را می‌کنیم می‌گویند زنجیری را که می‌خواهند به لحاظ استحکام امتحان کنند از محل حلقه‌ای می‌شکنند که زنجیره حلقه‌ها ضعیف تر است و به نظر بنده ما حسان آن تفکر معارضه فکرمی‌کنند یا شه‌آسیل و حلقه ضعیف آن تفکر سیاسی و فقهی را بچرخانند انقلاب همانا وجود خود را همانا و مکنایم موجود جهت رابطه مردم و حکومت است و به همین دلیل دائماً آن را مورد تهاجم قرار می‌دهند.

تا ریخته‌بیرا دقت کنید: در مقطعی تمامی سیستم قانونگذاری بهین بست رسیده حضرت امام اقدام به صدور فتاوی مترقی و بی‌بست شکن کردند. در مقطع بعدی این فتاوا مورد توجیه واقع شد که حضرت امام مجمع تشخیص مصلحت نظام را دقیقاً بدین منظور پایه‌گذاری کردند.

در مقطع دیگری القاء شد که مجمع تشخیص مصلحت خودش شروع به قانونگذاری کرد که ما نمایندگان جناح خط امام می‌مجلس طینا می‌م موضوع تضعیف مجلس را به اطلاع ما رسانیدیم و نتیجه‌اش جواب مبارک آن حضرت بود که خاضعانه فرموده بودند با بدیهه سمت قانونی عمل کردن پیش رفت. در مقطع دیگری بعد از رحلت امام مسئله انحلال مجلس مطرح شد. که با درایت حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای از دستور کار تجدید نظر قانون اساسی خارج شد و حاکمیت مسئله حذف یک جناح از صحنه سیاسی کشور و در نهایت از کار

انداختن نقش مقتدرانه مجلس شورای اسلامی در صحنه تصمیم‌گیری ملی و از همین زاویه است که با بدگفت‌کار این ۵۵ نفر برای تعطیلی مجلس و فلج کردن سیستم تقنینی کشور از کار آن ۹۹ نفر دوره دوم به مراتب بدتر و خطرناکتر است.

برخی تهدیدات که از جانب قوه قضائیه صورت می‌گیرد (و البته قانون با ابدا برای همه مسئولین از صدر تا ذیل رعایت شود و از جمله برای خود رئیس قوه قضائیه)، عدم شرکت شورای نگهبان در برخی جلسات مجلس، تحریم جلسات مجلس، مسائرها را بر قوه مقننه و هر نوع تخلف قانونی در کشور همان آفت و ضایعی را به همراه دارد که اندیشه معارضه می‌طلبند.

● نیاز سیاسی ما

احتیاج به شعبان بی‌مخندارد به کار بردن هر نوع تهدید نظیر تحلیلی که آقای هاشمی در نماز جمعه فرمودند و احتمال خطر جنگ خیابانی در جریان انتخابات خبرگان را با دآوری کردند و با توهین به ملتی بود که با رای صندوق رای رفته و انتخاب کرده است (که بنده معتقدم این تحلیل بیشتر متوجه روندی است که در آینده منجر به حذف یک جناح خواهد شد) موجب تضعیف روحیه دموکراسی و حضور مردم خواهد شد. هرگونه تلاشی که موجب حرکتیهای ضد مردمی و غیر اصولی شود و نشان دهد که تحمل عقاید مخالفان را نداریم موجب خسران است.

فرستادن آدم‌ها به لوجه محیط دانشگاه و تهدید دانشجویان به عنوان یک اهرم سیاسی علیه نیروهای مترقی نشانده ضعف نظام است. اگر بگوئید خودجوش است می‌گوئیم چطور خودجوشی که به صورت حرفه‌ای ثابت در آمده و هیچ‌گاه کم‌وزیا نمی‌شود. آقا با این نظام سیاسی ما احتیاج به شعبان بی‌مخندارد.

● رسالت فقه‌ها و فضایی متعدد

ضمن تشکر از بزرگانی که در این موقعیت مطلبی گفته اند و با الله‌افضل بخصوص فقه‌های عظام، آیت‌الله‌افضل لنکرانی، موسوی اردبیلی، نوری، جوادی آملی، و مخصوصاً حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای میدجو زه‌ودا نشگاه از تمام ما حبان اندیشه و فکر تقاضا می‌کنیم موضوع انتخابات اخیر را موشکافی نماید و برای حفظ فضای سالم سیاسی که از ضروریات حکومت اسلامی است جلوی آفات را بگیرند.

نهضت آزادی خطرناکتر از منافقین است!!؟

حجت الاسلامی شهری در یک مصاحبه تلویزیونی گفتند نهضت آزادی خطرناکتر از منافقین است. چرا که اینها آیات قرآن را تحریف می‌کنند و اخیراً هم در یکی از برنامه‌های رادیوشنیده شد که عربستان خطرناکتر از اسرائیل است. چرا که از موضع تقدس و اسلام و تحریف آن کار می‌کنند. در حالی که اسرائیل دشمنی است آشکار. منطقی هم در خدا انقلابیون و مخالفین نظام موجود را رد می‌گویند این رژیم چون از موضع اسلام حرف می‌زند

با بدبا اشتباهات آن مبارزه جدی کرد. چرا که هر خطایی به نام اسلام تمام می‌شود. در حالی که آنها با رژیم شاه مبارزه نمی‌کردند و می‌گفتند شاه آشکارا ظالم و باطل است.

برداشتها و تعبیرهای غلطی در جامعه وجود دارد که اولویتها را بهم می‌زنند. دشمن عمده اصلی و فرعی را جا می‌کند. گاهی تضادهای راه‌تناقض تبدیل می‌کند و تناقض را به تضاد. نتیجه عملی این سخنان این می‌شود که نهضت آزادی که محارب نبوده و دست به اسلحه نبرده و مایل است در کارها در قانون اساسی حرکت کند خطرناکتر از جریانی شمرده می‌شود که دست به اسلحه برده و خط برانگیز دارد. از قضا اینکه خود تشکیلات رجوی هم اعلام کرده که اصلی‌ترین خطر، جریانی است که استخاره است و نهضت آزادی و کتاخانه

اسلحه نبرده بودند با آنها برخورد نظامی نکرد. در حالی که اصل اما متوتشکیلات و خود حضرت علی (ع) را ردمی کردند. آیا تحریف بالاتر از این وجود داشت؟! یا در طول جنگ با خواجگ مستمری آنها راه همسران نشان نمی‌داد؟! اگر کسی بک برداشت غلط بکند دلیل بر ارتداد نیست در میان روحانیون هم خیلی برداشت غلط و اختلاف نظر وجود دارد. شهید بهشتی راهی شده را ناشد می‌کرد. اما می‌گویند اسلام ناب محمدی و امریکای هردو در روحانیت است. ولی در منشور برادری می‌گویند: اینها برادرند.

فازایدنولوژیک را از فاضلاستراتژیک با یجداد کرد. این منطق در طول جنگ هم می‌گفت: اسرائیل و صدام که دشمنان آشکار است. عربستان که اسلام را تحریف کرده از این هودشمن خطرناکتر می‌باشد.

عامل است. یکی جنبه مثبت، یکی کارهایی که حریفش می‌کند و به نفع و تمام می‌شود. ولی آن نامدرعین اینکه مؤثر و مهم برای پیروزی بود، آن اندازه تنها بدبرایش در مقام بسا بیرونی و بسا بر اقدامات اهمیت قائل شد.

راه مجاهد: از اخبار فوق چند مطلب استراتژیک به شرح زیر برداشت می‌شود: اولاً: حمایت امریکاز شاه مستقیماً به سرکوب نیروهای انقلاب در داخل منجر می‌شد. صحبت‌های کارش در ایران که "ایران جزیره آرماس است" و کلاً تا ثیدات او ز شاه قوت قلبی بود تا شاه سرکوب در داخل علنی تر سازد.

ثانیاً: شاه و امپریالیسم زیبوند انقلاب ایران و فلسطین و یا سخا ما به عرفات نگران بودند. در شماره ۳۸ راه مجاهد تحت عنوان دستهای مرموز و انقلاب فلسطین اشاره شده است گه استراتژی دستهای مرموز در سطح منطقه پس از پیروزی انقلاب دوم مورد اشاره است. یکی جدایی سافازاد و دیگری جدایی انقلاب اسلامی از ساف.

ثالثاً: نگرانی اصلی شاه از اظهارات اما خمینی بود که برای اولین بار سرنگونی او را بطور علنی مطرح می‌کرد. به نظر می‌رسد خط مشی شاه این بود که روحانیت را همچون سال ۴۱ به میدان کشیده و مانده ۱۵ خرداد به اتهام ارتجاع و شورش کور سرکوب نماید. در حالی که تصور شاه از مردم کاملاً غلط بود و به مبارزات پس از ۱۵ خرداد او با لافتن

رشد و آگاهی مردم توجه نداشت. این بار مردم به میدان آمدند ولی رشد و گسترش نیروهای انقلاب به حدی بود که او را سرنگون کردند و انقلاب به رهبری امام پیروز شد.

سیاسی را جزو این جناح نامبرده. این چه معادله‌ای است که موجب خوشحالی تشکیلات رجوی می‌شود. نمودها لکنه نفوذی است یا برداشت نادرست از اسلام و قرآن است؟

تاما هم ما این است که به اسلام و قرآن موضوعیت بدهیم و بگوئیم قرآن تنها سند است. حتی اگر صدام هم به قرآن استناد کند و آیه قرآن بالی اعلامیه‌ها پیش بنویسد یا کنفرانس اسلامی بغداد علیه جنگ اسلام و کفر به قرآن استناد نکند. به یک لحاظ باید خوشحال باشیم که به محمدالله قرآن سند مخالفین نیز شده است. چطور یک جمعی که استناد به قرآن می‌کنند و ممکن است برداشتهای غلط داشته باشند از یک محارب خطرناکتر می‌شود. حضرت علی (ع) که ما معصوم بودند، تا زمانی که خواجگ دست به

بدا می‌آید از نظر آزادی و حقوق بشر و این مسائل مثل گذشته در سال ۴۱ روحانیت به عنوان مخالفین خودش را به میدان بکشد. و این سیاست شاه بود. هیچکدام از مقامات هم با این کار موافق نبودند، نه آموزگار موافق بود، نه حتی ساواک، این اراده خودش بود. این ناشی گری خودش بود و متوجه نبود که این با رفق روحانیت نیست. این مخالفت‌ها حالت به اصطلاح التقاطی داشته، ولی بواش بواش یک نیرویی شد. از چپ و راست و مذهبی و ملی و چپگرا همه با هم مخلوط شدند و یک جامعه مخالفی بر علیه اش تشکیل شد. شاه متوجه نبود این اشخاص همه مخالفین می‌پیوندند.

داریوش هما یون:

حملاتی که خود خمینی و طرفدارانش در قلمبه‌شاه می‌کردند برای شاه بسیار نگران بود. خمینی نوارهایی که می‌فرستاد برای اولین بار شخص شاه را مورد حملات تند قرار داد. و آیت‌الله سید صادق روحانی در قسم گفت: شاه منعزل است و شاه دیگری چیزی باقی نمانده. آن مقاله مسلمناً پاسخی بود به حملات خمینی به شاه. شاه کمتر چیزی را بی‌پاسخ می‌گذاشت. فراموش نشود که آن مقاله ۶۵ روز بعد از زیدارکا رتر از تهران بود. کارتر قوت قلبی به شاه داد که برایش قابل تصور نبود. او خیلی از حدود تعارف روز تجاوز کرده بود. شاه خیال کرد محلی برای نگرانی نیست فقط مانده است تا مبارزه‌ای که خمینی پیش کشیده، پاسخ دهد.

بازرگان: این هم یک "گافی" بوده که آنها کردند و اگر اینکار را نمی‌کردند شاید این اندازه وحدت و پشتبانی نمی‌شد. همیشه هر پیروزی ناشی از دو

نصیری این متن را برای شاه می‌برد و شاه می‌گویند: حالا باید جنگ را بسا روحانیون بخصوص آقای خمینی علنی کرد. بروید یک مقاله را تهیه کنید. هفته بعد برای شاه می‌برند. شاه به نصیر می‌گوید: این را تندترش کنید. بعد هم وقتی مقاله حاضر می‌شود می‌گوید: بسه و سبیله دربار بدهید و به وزیر اطلاعات که چاپ کنند. وقتی چاپ می‌شود که می‌دانید جریانی شروع می‌شود، درگیر می‌شود و خورشیدی و . . .

داریوش هما یون:

مقاله زردیاری نشأت گرفت. اینکه شاه مقاله اول را نپسندید و گفت: باید تندتر شود، درست است. . . . مطالبی که در مقاله آمده بارها از طرف خود شاه و هیلتدگوهایی تبلیغاتی آن زمان ایران گفته شده و مطالب تا زه‌ای نبود. اینکه خمینی وابسته استعما راسته را ترجیح می‌دهد مخالف اصلاحات بطور کلی است. اینکه ز قدیم ایران متوجه قدرت نمایی کشورهای خارجی توسط عنا صرمذهبی بوده، اینها مسائل جدیدی نبود، فقط اینکه خمینی ریشه‌های داریوش را زگی داشته. یکی دوتا مطلب شخصی هم در آن مقاله جدید بود.

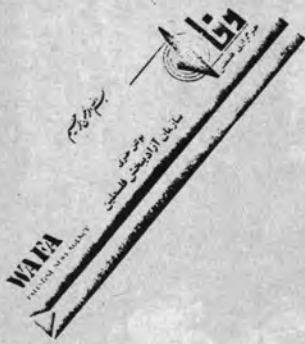
مقاله هیچ ربطی با ساواک نداشت و در دربار تهیه شده بود و خود شاه شخصاً در آن سهم داشت و لحنش را تعیین کرد. و لاگسی در ایران جرأت نداشت به روحانیت توهین بکند. آن هم بسا آن موقعی که رهبران مذهبی طبق قانون اساسی داشتند. . . کسی آن موقع تصور را نمی‌کرد که این مقاله مملکت را بهم بریزد.

احسان نراقی: شاه حمایتش این بود که با سرکار آمدن کارشروفا رهایی که

حمایت آمریکا از هر حکومتی در جهت سرکوب ملت است

رادیویی، بی.سی. در بخش داستان انقلاب در زمستان ۶۸ به ریشه‌هایی این امر که انقلاب اسلامی از کجا آغاز شد و با شدت گرفت، پرداخته. در این برنامه بخشی از مصاحبه‌های داریوش هما یون، احسان نراقی و مهندس بازرگان را که مربوط به مقاله روزنامه‌های اطلاعات به قلم "رشیدی مطلق" است، بخش کرد. آنجا که این مصاحبه‌ها حاوی برخی نکات استراتژیک است، متن کامل آن را از نوار استخراج کرده و ذیل می‌آوریم.

احسان نراقی: "احسان نراقی این ماجرا (مقاله روزنامه‌های اطلاعات) را دو سه سال بعد از قول یک مسئول ساواک شنیده‌ام است". پس از اینکه سیدمطفی خمینی در نجف فوت شد، این جریانی و سبیله‌ای شد که مجالس ترحیم مرتباً تشکیل شود و عدم رضایت سیاسی بدین سبیله‌ها نکرده. که شاه از این بی‌بخت عصبانی شده بود. در این ضمن با سر عرفات یک تلگراف تسلیم به آقای خمینی در نجف مخابره می‌کند، آقای خمینی در جواب می‌گویند: درد و محنت من روزی پایان می‌گیرد که ملت ایران از شر این آدم‌جا برفارغ شود. اینگونه که مسئول ساواک می‌گفت:



گم‌انگاره و

وحدت نیروهای ضد صهیونیستی

هتل میزفتم ناگهان با مردم خشمگینی درخیا با آنها مواجه شدم که از کشتن جمعیت دونفر به شهادت رسیدند که یکی از آنها دختری به نام انتصار العطار بود که در حالی به شهادت رسید که عکس مرا در دست داشت.

شما می‌دانید که در همان وقت کوشش‌هایی در کار بود تا از روی سازمان آزادیبخش فلسطین بگردند، نقش آن را به عنوان تنها نماینده قانونی فلسطین که از سوی کنفرانسهای سران عرب بدین عنوان مورد تأیید قرار گرفته بود؛ از زمین بپروند و حتی می‌خواستند که دیگر اسمی نیز از دولت مستقل فلسطین در کار نباشد.

در روز ۲۸ نوامبر ۱۹۸۷ و به دنبال پایان یافتن کنفرانس سران کابینه اسرائیل تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت سیاست "مشیت آهنین" را اجرا کند تا بدین وسیله جلوی قیام را بگیرد.

اما قیام ۱۴۴ اکتبر ۱۹۸۶ تا کنون متوقف نشده است و همچنان ادامه می‌دهد. خواهش‌هاست. آری به خاطر طرح "لندن" که شولتز و برز تلاش می‌کردند آن را اجرا کنند که بینه اسرائیل سیاست "مشیت آهنین" را در پیش گرفت.

هنگامی که شولتز در این مورد صحبت می‌کرد به او گفتم که کسی از سرزمینهای اشغالی حاضر نیست با شما ملاقات کند. یک ساعت و نیم انتظار کشید اما کسی به سراغ او نرفت.

اخیراً آقای مصطفی المنتشه، معاون شهردار الخلیل را فرستادیم و یک نامه امضاء شده از سوی ۸۲ شخصیت فلسطینی که شولتز می‌خواست با آنها ملاقات کند به وی داد.

متن نامه به شرح زیر بود: "کسی حاضر نیست با شما ملاقات کند و اگر خواستید با فلسطینی‌ها صحبت کنید فقط یک آدرس وجود دارد و آن سازمان آزادیبخش فلسطین است." ما به همکارانمان اجازه ندادیم

منظورشان از "ریشه" اردوگاه‌های فلسطینی در بیروت بود... آنها با اجزای ما از طرف اکتفا نکردند. بلکه تصمیم گرفتند در خود بیروت هم با ما درگیر شوند. ما طرف اکتفا نکردیم. زیرا ما در بیروت با دشمن صهیونیستی روبرو شدیم. ما در طرف اکتفا نکردیم. بلکه فقط با دشمن صهیونیستی، بلکه متأسفانه نیروهای دو کشور عربی نیز مواجه بودیم و در محاصره آنها نیز قرار گرفتیم که در همان روزها من چنین پیامی دادم:

از شما استدعا دارم که هنگامی که... و هوایمان اسرائیلی ما را هدف گلوله‌های خود قرار می‌دهند به توپخانه‌های خود دستور دهید تا زلزلگ به سوی ما خودداری کنند تا ریح در صفحات خود ثبت نکنند که گلوله‌های اسرائیلی و عربی همزمان با هم بر سر چریک‌های فلسطینی می‌بارد.

من این حرف را گفتم زیرا در کنار جلوی چشمان من سیاه شده بود و بلافاصله به خوشبختی و نوا رزغره و حتی خوشبختان ما در سرزمین‌های اشغال شده سال ۱۹۴۸ به‌خوبی با آنها ریختند. همه در مسجد الاقصی مبارک جمع شدند که در آن فتوای معروف سعد الدین العظمی مفتی قدس ما در شد.

در آن زمان فتوای مردم موج قیام را آغاز کردند. اگر بیا دداشته باشد در خلال سالهای ۸۶-۱۹۸۷ هر یک با دوام بکبار دانشگاهها در اشغال عتصا بیات دانشجویان تعطیل اعلام می‌شد و این مسئله تا نشست سران در عمان ادامه داشت. در این نشست یک سوء تفاهم رخ داد.....

پروکتل من در فرودگاه همراه هم بود. همه مردم آن را دیدند و خشم آنها طغیان کرد. هنگامی که داشتیم به سوی

● قیام مردم مسلمان فلسطین و نقش سازمان آزادیبخش

س - برادران بوعمار، قیام مبارک را که هم‌اکنون وارد سومین سال خود می‌شود چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اثرات این قیام مبرجاً همراه اسرائیلی، بافت داخلی و صلح‌گونه است؟ یا این قیام به تنهایی می‌تواند آرزوهای فلسطینیها را در حق تعیین سرنوشت و برپایی دولت مستقل فلسطین حاکم عمل ببوشاند؟

ج - اولاً "می‌خواهم به یک چیز مهم اشاره کنم، قبلاً هم درباره آن با شما صحبت کرده‌ام. هنگامی که قیام موج می‌زد بخصوص موج خیرش، بعضی‌ها سعی می‌کردند که آن را بعنوان یک نهاد بی‌حاجت و بی‌عمل موقت، آنهم بی‌نظم، قلمداد کنند. در آغاز خود دستگاه تبلیغاتی اسرائیل و نیروهای غربی‌ها و مخصوصاً آمریکا یک نقش اساسی در انتشار چنین شایعاتی داشتند که متأسفانه دستگاه تبلیغاتی عربی نیز چه‌آنگاه و چه‌بنا آنگاه در این بین صاحب نقشی منفی شدند و جهت منفی آن را بیشتر در آن زدند.

درباره قیام کنونی اجازه بدهید که بگویم این قیام، نه در سپتامبر ۱۹۸۷ آغاز شده است، بلکه در واقع در ۲۴ اکتبر ۱۹۸۶ هنگامی که اردوگاه‌های مسادر صبرا و شتیلادر محاصره بوده‌اند، دنیا در جلوی ما تاریک شده بود و اتمام لحاظ با بن بست روبرو بودیم آغاز شد. همه اعتقاد داشتند که این آخرین ضربه است که توسط آن سازمان آزادیبخش فلسطین نابود خواهد شد و از پا درخواهد آمد. از طرف اکتفا نکردیم... گفتند ما باید سازمان آزادیبخش فلسطین را از ریشه درآوریم



متن زیر بخش‌هایی از مصاحبه رهبر سازمان آزادیبخش، آقای با سرعفات با روزنامه المصوریه نقل از خبرگزاری وفا شماره ۱۰۴ به تاریخ ۲۶/۱۲/۶۸ می‌باشد. لازم به یادآوری است درج مصاحبه زیر به مفهوم تأیید کلیه مواضع آقای عرفات نبوده، بلکه صرفاً جهت روشن شدن وحدت نیروهای ملی و مذهبی در مبارزه ضد صهیونیستی است. این وحدت علیرغم وجود نارسایی‌هایی که منجر به پذیرش قطعنامه ۲۴۲ گردیده هنوز به قوت خود باقی است. چنانچه "حماس" با وجود رد قطعنامه ۲۴۲ از همکاری تشکیلاتی با سازمان آزادیبخش فلسطین دست نکشیده است. آمریکا و اسرائیل وحشت زیادی از اتحاد ضد صهیونیستی حنا جهلی فلسطینی دارند که میدوایم نیروهای مبارزان به این مسئله توجه بیشتری کنند.

تاکنون قطعنامه های

سران عرب

مبنی بر تقدیم پشتیبانی مالی به قیام اجرا نشده است به جز

در کمترین حد .

اینها شعارشان این است که بیروت و بیرو در کنار

خدایت به تنهایی بجنگ

ما همینجا منتظر می مانیم .



چده کسی می تواند ۲۳۰۰ میلیون دلار زیان تحمل کند. ما فقط یک میلیون و هفتصد هزار فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه داریم. زیان های ما ۲۳۰۰ برای ۲۴ ماه بوده است. ما اکنون وارد سومین سال قیام می شویم. یعنی به میزان ۹۵ میلیون دلار در ماه خرج داریم. آیا این ظلم نیست کمکهای عرب ها به ما در برابر این زیان و در مقابل به ما کمک های کبهه اسرائیل می شود. از چند روال بیشتر ترا وزنی کند. فقط چند روال... بعضی ها از ایراد این حرفها خوششان نمی آید. اما با بستن دنیا این حقیقت را بداند. بعد از ۲۶ ماه تحمل، دیگر جایی برای صبر بیشتر نداریم. غزه نمی تواند در زیر این شرایط به زندگی ادامه دهد.

آقای جک لوسیل رئیس آژانس امداد جهانی آدمومن همراه او در یکی از نشست های وزارت خارجه کشورهای عربی شرکت کردم. به آنها گفت درست است که اهالی مناطق اشغالی گرسنه هستند، اما در چهره آنها یک چیز دیگر هست، آنها یک دولت می خواهند... عرب ها به او گفتند: بگو چه می خواهید؟ گفت: پنج میلیون دلار در ماه... گفتند: خیلی خوب این یک کار ساده است. او گفت: اگر پنج میلیون دلار در ماه در اختیارم بگذارید می توانم برای اکثریت مشکلات غلبه پیدا کرد. گفتند: آماده هستیم، مسئله ای همتا نداریم. پنج میلیون دلار در ماه در اختیار قرار می دهیم. خوب حالا فکر کنید چه مبلغی به او دادند؟

سال ۱۹۸۸ فقط ۱۶ میلیون دلار به جای ۶۰ میلیون، سال ۱۹۸۹ فقط ۱/۵ میلیون دلار. در واقع آنها نمی خواهند چیزی به ما زمان آزاد بخش فلسطین بدهند. بعضی از آنها می نویسند که ما مطمئن نیستیم و نمی دانیم این کمکها به کجا می رود. من به آنها می گویم شما که با یکی از آژانس های بین المللی

من یا سخ دادم که دوروزه، دو هفته نه، دو ماه نه، بلکه دو سال در پیش داری و خواهی دید. چهار روز قبل، را بین ایستاد تا بگوید: راه حل نظمی برای از بین بردن قیام شکست خورد. فراموش نکنید که این را بین وزیر جنگ اسرائیل است که چنین حرفی می زند.

ما با افتخار می گوئیم که فقط در اردوگا هجالی که او را اردوگا انقلاب اسم گذاشته ایم ۱۸ کمیته مردمی داریم در بلاطه ۱۷ کمیته، در غزه ۵۸ کمیته و در نابلس ۵۱ کمیته مردمی داریم و علی بنزیم کلید اقدامات سرکوبگرانه، این کمیته ها همچنان به کار خود ادامه می دهند. بارها شده که کاروان دوم، سوم یا حتی به کمیته ضربه وارد شده است که در اثر آن زنان اداره کمیته ها را به عهده گرفته اند. و انتقام قربانیان را از دشمن صهیونیستی می گیرند. من این حرفها را می زنم تا بدانند که تشکیلات در آنجا به چنان اندازه از نظم برخوردار است. در واقع همین کمیته ها هستند که در سرزمینهای اشغالی حکومت میکنند. هنگامیکه اسرائیلی ها با مسئله ای به نام "بلنگ سیا" در نابلس روبرو شدند و ۴۵۰۰ سرباز به خاطر خاتمه دادن به این مسئله به نابلس فرستادند. در همین وقت اعلام کردند که ما فقط الان توانستیم نابلس را اشغال کنیم یعنی در واقع اسرائیلی ها هرگز نتوانستند بر نابلس مسلط شوند.

در ۲۴ ماه گذشته زیانهای ما ۲۳۰۰ میلیون دلار بوده است. زیانهای آنها ۵۹۰۰ میلیون دلار بوده. اسرائیل از پشتیبانی مالی آمریکا برخوردار است اما من از هیچ... از قول من بنویسید تاکنون قطعنامه های سران عرب مبنی بر تقدیم پشتیبانی مالی به قیام اجرا نشده است به جز در کمترین حد. اینها شعارشان این است که بیروت و بیرو در کنار خدایت، به تنهایی بجنگ. ما همینجا منتظر می مانیم."

گردید. روز بعد آقای دکتر و سوف الصایغ با هواپیما آمد تا از من عذر خواهی کند و درخواست نمود که اسم ایشان به لیست حاضران اضافه شود... ایشان هم اکنون نیز در انگلستان زندگی می کنند و کسی به او کاری ندارد. ما اکنون ۴۶ هزار نفر با زداشتی و ۵۳ هزار زخمی داریم. آیا به این کار می گویند تروریسم؟

آنها را برای اجرای انتخابات شهرداریها به مبارزه دعوت کردم... اما اسرائیلی ها از انجام چنین کاری خودداری کردند. در مورد ۹۶ نفری که بعنوان کادر سازمان آزادیبخش فلسطین انتخاب شدند همه آنها با از سر زمینهای اشغالی اخراج، یا به قتل رسیدند یا با زداشت شدند یا مجازات و از کار برکنار شدند. شکی نیست که قیام ما این چهره مردمی اش و شرکت کلیه اقشار ملت در آن اعم از کودک، جوان، زن و مرد یعنی عکس العمل واقعی علیه تمام آنچه که گفته می شود، می باشد؟

ج - آیا می دانید شعار مردم چیست؟ شعار آنها بی که در سرزمینهای اشغالی گرسنه زندگی می کنند این است که ما هنوز به اندازه اهالی صیرا و شتیلایه که به مدت سه سال ونیم بدون آب و خوراک کافی در محاصره بوده اند بر سر آنها گلوله و توپ می ریخت زحمت وارد نکنیدیم. آیا می دانید در صیرا و شتیلایه از جسد قربانیان دیوارهای چند طبقه درست کردند با این همه ساکنان فلسطینی سه سال ونیم مقاومت کردند. می گویند آنها هیچ نداشتند و با بداری کردند. پس بر ما است که هنوز هم آب و خوراک داریم همچنان مقاومت کنیم.

امروزه این منظره در سرزمینهای اشغالی مشاهده می گردد و به همین خاطر هنگامی که را بین در ۱۹ دسامبر ۱۹۸۷ در دادنشیرای بروکنر سخنرانی می کرد به او گفتند که پیش شما چه می گذرد؟ پاسخ داد: دیک هیاهویی است که می تواند بعد از چند روزی آن را خفه کرد...

و ارداق شولتز شونده، ایشان هم به نوبه خود نامه را دم درب کنسولگری آمریکا در قدس به گذاشت و راهی خانه شد.

به مسئله کنفرانس (عمان) بازگردیم هنگامی که خوبشوندان و مذاکراتی که در فرودگاه سراسیمه فتا دیدند. در روز سوم کنفرانس و قبل از پایان یافتن آن یک طومار ۷۰ متری که برای جامعه عرب عنوان شده بود به دستم رسید... خیلی شگفت انگیز بود. یک طومار هفتاد متری مملو از امضاها، در ظرف ۴۸ ساعت تهیه شده بود. در این طومار چنین نوشته شده بود:

"تنها نماینده قانونی ما، سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری برادر، با سرعت تا است. مبارزه ما نیز به خاطر برپایی دولت مستقل فلسطین می باشد" پس - برادر با سر، اسرائیلی ها ادعا می کنند که مردم سرزمینهای اشغالی زیر فشار سازمان هستند. به عبارت دیگر ادعا دارند که مردم سازمان می ترسند و از سازمان شما وحشت دارند تا آنجا که راهی جز "آری" گفتن به سازمان ندارند. ج - آیا آن میلیاردرهای فلسطینی که در شیلی زندگی می کنند از سازمان آزادیبخش فلسطین می ترسند؟

ما حدود ۲۵۰ هزار فلسطینی در شیلی داریم... آنها از ثروتمندترین اتباع ما در خارج می باشند آنها همیشه نمایندگان جهت شرکت در جلسات مجلس شورای ملی فلسطین می فرستند و نمایندگان دائمی در این مجلس دارند. در واقع تمام اتباع فلسطینی در خارج دارای نمایندگان در مجلس ملی می باشند. پس آیا اینها هم از سازمان آزادیبخش فلسطین می ترسند... اجازه می خواهم یک مسئله را عرض کنم، هنگامی که مبارزه طلبی در مجلس ملی فلسطین در عمان آغاز شد چه کسی باعث نجات آن مسئله گردید؟ در همان وقتی که علی بن غمگلیه مشکلات تعداد شرکت کنندگان به حدی که با رسیدن مجلس منعقد

توافق دارید. پس کمکها بتان را به آنجا بدهید مگر اینها نمیدانند که خون، گرانبها ترا زپول است پس چرا نمی پرسند که این خونها که در راه مبارزه ریخته می شوند به کجا می روند؟

تصور کنید "مورفی" گفته بود که با سر عرفات قطع نامه های خوبی زکنفرانس های سران عرب دریافت نموده است. اما این قطعنامه ها هرگز اجرا نخواهد شد.

آقای ورنون والترز نما بنده سابق سازمان ملل که هم اکنون سفیر آمریکا در آلمان غربی است گفته بود که تصمیم با لات متحده آمریکا این است که کلیه موازین مالی سازمان آزار دبخش را بشکند و علیرغم این همه، گریستن غزه به من می گویند: هوشیار باش متیاز ندهید عقب نشینی نکنید.

خیلی سخت است که درک کنید که اینها چطور زندگی شان در زندانها می گذرد... چگونه سرخستانه می جنگند. تصمیم گرفته اند ما مه های اینها را که از زندان برابم می رسد برایتان بفرستم. خواهشمندم که اسم آنها را پاک کنید. اسم فرستنده و اسم زندان را پاک کنید و بقیه نامه را چاپ کنید. آنها از میان تاریکی های زندان برابم می نویسند که مواظب باشید در فلان جای کارشما در فلان منطقه یک نقطه ضعف وجود دارد.

● مبارزه با جواسیس

س - اعدام آن عده که با صهیونیستها همکاری می کنند اکنون بر سر زبانهاست دستگا تبلیغات غربی نیز در باره آن می نویسند. گفته می شود که فلسطینی ها به بیانه ها بکنه یک عده با دشمن همکاری می کنند هم دیگر می کشند نظر شما در این مورد چیست؟

ج - از اینها فقط ۱۱۸ نفر تا کنون اعدام شده اند، با این همه، می گویم که مقداری بی نظمی در کار ما روی داد کمیته مردمی تشکیل جلسه می دهد و می گوید فلان کس (خود فروخته است) شبانه به سراغ می روند و او را اعدام می کنند. اما در سه ماه اخیر می بینیم که تنها یک نفر اعدام شده است. زیرا من دستور داده ام که این اعمال نباید تکرار شوند. دستورات ما باید در کمیته مردمی حاکم اکثریت باشد. سپس به فرماندهی منطقه محول گردد. که آنجا با اجلاس به فرماندهی متحد قبا محول و تصمیم نهائی در آنجا نیز با اجلاس اتخاذ خواهد شد.

س - یعنی دستورات اعدامها به مرحله طی کند؟

ج - بلی. با بیدار گذراندن این سه مرحله حکم نهائی صادر گردد. من اختیار را خود را در این مورد به

"قاوم" یعنی فرماندهی متحد قبا م داده ام. مانند یک رئیس جمهور که اختیارات خود را به فرماندهی خط مقدم بجهت می دهد تا بتواند در فردنظا می خلاف کار را اعدام کند. با این همه به آنها اطلاع داده ام که بیرونده اعدام شدگان را نیز بر اینها بفرستند تا مطالعات لازم در باره آنها صورت گیرد. بعد از انجام مطالعات و بررسی های لازم، دیدم که از تعداد ۱۸ نفر اعدام شده فقط دو نفر بی گناه اعدام شده اند و این دورا بعنوان شهادت قبا م به حساب آوردم.

اکنون در سرزمینهای اشغالی مردم روش (توبه) را در پیش گرفته اند. یعنی گناهکار (خود فروخته) می آید جلوی مردم اعلام توبه می کند و خویشاوندان وی نیز اعلام می کنند که اگر متهم یک بار دیگر دست به کارهای خلاف بزند و با دشمن همکاری کند ریختن خون او حلال است. س - منظور شما از همکاری آن چه کسانی هستند؟ مثلاً آن عده از کارگزارانی که برای کار با اسرائیل می روند نیز در ردیف همکاری با دشمن به حساب می آیند؟

شعار آنها بی که در سرزمینهای اشغالی

گرسنه زندگی می کنند

این است که

ما هنوز به اندازه

اهالی صیرا و شتیلا که به مدت سه سال ونیم بدون

آب و خوراک کافی

در محاصره بوده اند و بر سر آنها

گلوله و توپ می ریخت

زحمت و درد نکشیدیم.

ج - خیر، همکاری است که با دستگا و مخوف "موساد" به ضرورتش همکاری می کند علیه ملتش جاسوسی می کند و به آنها اطلاعات می دهد. البته ناگفته نماند که عدد چنین افرادی بسیار کم است و اخیراً "خود اسرائیلی ها" اعتراف کرده اند که با "همکاری" از هم پاشیده است.

● حماس - ساف و قطعنامه ۲۴۲

روزنامه "حداشوت" هersh ماهیک بارها هر چند هفته یک بار با ادعای اجرای یک همه پرسی می گوید که تعداد ده هزاران "حماس" ۱۵٪، ۲۰٪، ۳۰٪ و حتی گفت ۴۰٪ افزایش یافته است در حالیکه کسی حتی "حماس" نیز خارج از سازمان آزار دبخش نیست. "حماس" هنگامی که خواست قطعنامه های مجلس شورای ملی فلسطین را با شک و تردید تا بید کند اهل سرزمین های اشغالی بلافاصله واکنش نشان دادند که در آن حماس محبور

شد و ادخبا با آنها و مساجد خود را اعلام کند که این قطعنامه را تا شدمی کند ما با اجرای قطعنامه ۲۴۲ مخالف است. س - آیا واقعا "حماس" با قطعنامه های مجلس ملی فلسطین موافق میباشد ج - آنها جزو مجلس هستند. حتی نما بندگانی نیز در مجلس دارند و از اعضای مجلس مرکزی نیز می باشند.

س - آیا آنها بطور استراتژیکی اهداف مشخص شده توسط مجلس ملی فلسطین را موردتأیید قرار می دهند؟ ج - بلی، یک توافق استراتژیک وجود دارد. آنها فقط قطعنامه ۲۴۲ را رد می کنند اما نند آقای جورج حبش. س - اعتراضی جورج حبش بدین سبب بود که به شما دوسال فرصت داده بود و به این خاطر است که اعتقاد ددا رد در این دوسال طرح شما بطور کامل بیابده نشده است. آیا اعتراض "حماس" نیز از این قبیل است؟

ج - نما بنده "حماس" در مجلس ملی ایستاد و چنین گفت: "من همه چیز را جز قطعنامه ۲۴۲ قبول دارم."

● وسعت حمایت آمریکا از اسرائیل

س - آیا به یک تحرک حاشیه ای که نمی توان در تصمیمات اسرائیل تاثیر بگذارد، اعتماد دارید؟

ج - این موضعگیری هایی که اسرائیل در دعوتش موضع گیری آمریکا است. من این را می گویم و بگذار برزیدنت "بوش" آن را بشنود. موضع آمریکا یک عامل مهم است که پشت سر موضع اسرائیل قرار گرفته است و به خاطر همین موضع گیری اسرائیل اینقدر سرخستی به خرج میدهد یا قابل قبول است که آمریکا شش بار در یک سال علیه من "وتو" اعمال کند یعنی هر دو ماه یک بار ما را وتو کرده است.

ایالات متحده آمریکا به این همه موضع گیری منفی اکتفا نکرده است، بلکه بودجه ژانسن کمک رسانی به پناهندگان فلسطینی را نیز از ۶۴ میلیون به ۱۸ میلیون دلار کاهش داده است. آیا آمریکا

احتیاج به چنین مبلغی داشته است که کاهش دهد؟

این ضرب المثل در واقع گویای حال آمریکا است که "اگر حیا نداشته باشد هر کاری که دولت بخواهد انجام بدهد".

همین موضع گیری ها هستند که اسرائیل را به انجام چنین کارها تشویق می کند.

درواقع اسرائیل حق دارد در برابر این همه نوازش آمریکا سرخستی نشان دهد. شش بار روتودریک سال... کمکهای بلاعوض ۱۰۰ اسلحه بی حد و حساب... ایجا دفشا بر سر ما زما نشا و... مگر فشار آمریکا نبود که ما را از عضویت کامل در سازمان ملل محروم کرد؟ آیا ما مگر ایالات متحده آمریکا نبود که نگذاشت حکومت ائتلافی اسرائیل از هم بپاشد؟ مگر آمریکا رسماً اعلام نکرد که حکومت "ائتلافی" با ییدا دامه میابد؟

آیا مگر "شاس" اعلام نکرد که ماده است یک کا بینه کوچک با مشارکت (اجورات) تورات و (لیکود)، تشکیل دهد؟

شاس ۷ کرسی دارد، اجورات تورات ۲ کرسی، لیکود ۵۶ کرسی و یاسگودات ۵ کرسی، با جمع شدن این عدد کرسی، اسرائیل می تواند نسبت یک کا بینه که دارای ۶۹ کرسی باشد بریاست برزیدون مشارکت حزب "کار" تشکیل دهد. اما آمریکا رسماً اعلام کرد که حکومت ائتلافی با همیمان با بدیه کار خود را می دهد. در واقع این لیکودها هستند که تصمیمات آمریکا را برنا مریزی می کنند.

● صلح در منطقه

س - آقای عرفات در رابطه با دولت اسرائیل و فرصت های صلح در منطقه دو نظریه وجود دارد. یکی از آنها می گوید که از هم پاشیده شدن همیمان میمان لیکود و کار، اسرائیل را وارد بحران انتخابات خواهد نمود که در آن وقت زبانی تلف خواهد شد... در حالیکه دید دوم می گوید که چه بهتر که لیکود به تنهایی بسا بدو ملتش روبرو شود که در این حال کارها بهتر خواهد شد. نظر شما در این مورد چیست؟ یا ترجیح می دهید با ائتلاف روبرو شوید، یا با لیکود به تنهایی؟

ج - ترجیح می دهم با لیکود روبرو شوم. بگذار لیکود بیاید سرکار که در این حال به جای روبرو شدن با سه جبهه فقط با لیکود لجز بدینی و حزب کار که در رابین وزیر دفاع که با قیام در حال ستیز است خلاصه می شود و روبرو خواهد شد. اگر لیکود بیاید من با او به تنهایی روبرو خواهم شد و به همین خاطر بود که برز در مورد تصمیمش مبنی بر کناره گرفتن و ایمن عقب نشینی نمود در حالیکه و راه بخیا نت متهم کرده بود.

س - این عقب نشینی شاید در اثر فشار آمریکا بود تا حکومت ائتلافی علیرغم سستی اش همچنان بماند .

ج - هدف این است که موضع اسرائیل شدیدتر شود. وگرنه چرا آمریکا از هم پیمانانی (ائتلاف) فلسطینی همتی پشیمانی نمی کند ؟

س - کدام هم پیمانانی فلسطینی ها ؟

ج - چند روز پیش وزیر خا رجه بلژیک در تونس با من ملاقاتی داشت . به من گفت شما احتمالاً اطلاع دارید که سه وزیر با شما میرا اختلاف نظر دارند . گفتیم : فقط سه تا ؟ آیا میدانی که من با چه کسانی روبرو هستم ؟ من با افراطیون فلسطینی افراطیون عرب و افراطیون مسلمان روبرو هستم . پس چرا صابی برای این همه مخالفین با من بازمی کنند ؟

اگر برای سه وزیر که یکی از آنها به شهادت خود اسرائیلی ها قاتل کودکان می باشد این همه کشتار را در غزه انجام داد مگر اوقاص صبر و شکیلا نبود این همه حساب با زکرده اند .

اما برای موضع گیریهای دیگران هیچگونه اهمیتی قائل نیستند . بطوری که حتی موضع گیری های اروپا ، شوروی و ژاپن را نادیده می گیرند ؟

س - آیا تداوم موضع آمریکا مبنی بر جانی ندادن اسرائیل هم پیمانانی شما و جنبش فلسطین را مورد تهدید قرار می دهد ؟

ج - اصلاً بدأ . من همیشه یک مورد را ستگو بوده ام در همین هفته در اتحادیه جامعه عرب اعلام نمودم که اگر کوشش های کنونی صلح با بن بست مواجه شود من از مجلس شورای ملی فلسطین که بنده را انتخاب نمود دعوت خواهم نمود و به آنها خواهم گفتم که این است اما منتی را که به من سپردید به شما برمی گردانم . از امروز به بعد خودتان میدانیید

● درخت مذاکره را نباید قطع کرد

س - اگر تا این حد از آمریکا بی امید هستی پس به چه چیزی امید بسته ای ؟

ج - این آمریکا است که با من دشمنی دارد . آیا می شود از دشمن فرار کنم ؟ من با آمریکا دشمن هستم . اما من فرار نمی کنم ، بلکه باید در برابر آن ایستادگی کنم .

س - مذاکرات فلسطینی - آمریکایی به کجا انجام مید ؟

ج - متأسفانه با پیدا علامت کنیم که شولتز وزیر خا رجه سابق آمریکا در این مذاکرات از بیگریدی تری بوده است . شولتز در بیانه خود چنین گفته است : اگر فلسطینی ها قطعاً ماه ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴

شورای امنیت را به رسمیت بشناسند ما نیز آنها را به رسمیت خواهیم شناخت با آنها مذاکره خواهیم نمود . از آنها دعوت می کنیم در کنفرانس صلح بین - المللی حاضر شوند و آنها حق دارند که در این کنفرانس خواهان یک دولت مستقل فلسطینی باشند . اما بیکردارد

از این بیانیه روز بروز عقب نشینی می کند علیرغم گفتارش که خواب توسعه - طلبی اسرائیل به پایان رسید . بوش نیز با این اشغالگری اسرائیل را اعلام نمود . اما عمل با حرف خیلی فرق دارد

من می پرسم که در برابرک چه تفاقسی افتاد ؟ مگر نه فقط ۱۷ نفر مورد امانت قرار گرفتند . در حالی که من ۵۵۰۰۰ فلسطینی ۱۰۲۴ شهید ، ۶۵۰۰۰ معلول ، ۵۵۰۰۰ مورد سقط جنین ، در اثر اششام کما زهای سمی که نیروهای اسرائیلی آن

در طرابلس

نه فقط با دشمن صهیونیستی بلکه

متأسفانه

با نیروهای دو کشور عربی

نیز مواجه بودیم

در محاصره آنها قرار گرفتیم .

راگازهای اشک آوری من مانند ما دو گروه از یزیشکان آمریکا بی و بلژیکی بعد از اجرای آزمایشات لازم (رسمی) اعلام کردند که سمی می باشد ، دارم .

س - مذاکرات فلسطینی - آمریکایی را چگونه ارزیابی می کنید ؟

ج - آمریکا عجولانه به آن ادامه می دهد .

س - پس چنین مذاکراتی که نتیجه مثبتی ندارد ، چه فایده ای دارد ؟

ج - من درخت مذاکره با هیچ کس را قطع نخواهم کرد .

چرا مذاکرات را رد کنیم ؟ من این مذاکرات را قطع نخواهم کرد . آمریکا نیز بنا بر توافق نامه من و شولتز که از راه اندرون وزیر خا رجه سوئدانجام شد ، نمی تواند این مذاکرات را قطع نماید . می باشد تحولی در این مذاکرات

وجود می آید می باشد من به سازمان ملل می روم . اما ناگهان ۱۳ نماینده از نمایندگان آمریکا خواستار منسوخ حضور من در نشست سازمان ملل شدند و علیرغم این همه اگر چیزی جدیدی داشتم که بگویم می روم . حتی اگر با رد دیگر مجبور می شدند در ژنو تشکیل جلسه دهند . اما من چیزی جز ابتکار صلح که اعلام کرده ام ندارم . من اصلاً نمی خواستم به سازمان ملل بروم . آنها گفته اند که من می خواهم در این نشست حاضر شوم . من حتی درخواست ویزا هم نکردم .

س - بعضی ها می گویند که هرگونه تغییر حقیقی با پیدا ولا " در داخل اسرائیل اتفاق بیفتد قبل از این که از سوی ایالات متحده آمریکا صورت گیرد ، شما چه می گوئید ؟

ج - خیر ، خیر ، این تغییر را ولا " با یستی در آمریکا رخ دهد . شما به یاد دارید در سال ۱۹۶۵ هنگامی که تاجا وز سه گانه به مصر از سوی فرانسه ، انگلستان ، اسرائیل ۴۸ ساعت پشت تلفن بوده اند تا دستورالعملی را دریافت کنند که سرانجام رئیس آمریکا به آنها دستور داد که عقب نشینی کنند و فوراً این دستور اجرا شد .

س - این با ویکلی از ابرقدرت ها حضور ندارد .

ج - مهم نیست . ایالات متحده آمریکا می تواند بگوید که یک تصمیم و

"لاحت" و قبل از آن "عمیرات" از میان حزب لیکود بیاید و آنچه که گفتند بگویند آیا این نیز تغییر به حساب نمی آید ؟ هنگامی که ۱۵۰ اسرائیلی خواهان دیدار و ملاقات با من در قاهره باشند تا با من بحث و گفتگو کنند ، آیا این بعنوان ایجاب دشمن در حساب می آید ؟

س - آیا واقعا " با آنها ملاقات خواهد کرد ؟

ج - از ملاقات با آنها استقبال می کنم اما مسئله به فرا هم شدن ترتیبات لازم نیست زدا رد .

س - اگر این ۱۵۰ نفر بیاید قاهره با شما ملاقات کنند ، این ملاقات میتواند مشکلاتی برای شما بر در داخل کابینه اسرائیل بوجود بیاورد ؟

ج - من به آنها خوش آمد می گویم . بعضی مسائل فنی که به ملاقات آنها با من در قاهره و مسائل دیگر مربوط میشود وجود دارد .

س - آیا شما مینویسید که آنها را جلوی شما ببنند و برای انتخابات اصرار ورزد ؟

ج - من او را به مبارزه می طلبم ، اگر بتوانند چنین انتخاباتی اجرا کنند ، من نه فقط او بلکه من آمریکا و خود او را به مبارزه می طلبم که اگر زمان آزاد بخش فلسطین بگویند ، آنها بتوانند انتخابات را اجرا کنند .

س - یعنی اگر شما میرا انتخابات را اجرا کرد شما هم وارد خوا هید ؟

ج - آیا ملت ما در سرزمینهای اشغالی به دستور استعمارگران وارد انتخابات خواهند شد ؟

ملت فلسطین هیچگونه انتخاباتی را جز با دستور رهبریت خود ، انجام نخواهد داد . اگر رهبریتش بگوید آری ، او وارد خواهد شد و اگر بگوید خیر ، انتخاباتی در کار نخواهد بود . سال ۱۹۶۶ هنگامی که گفتم آری ، او وارد انتخابات شدیم .

س - اگر شما میرا این مبارزه طلبی شما تن داد و اعلام انتخابات نمود ؟

ج - من او را به مبارزه می طلبم .

س - یعنی وارد انتخابات می شوید یا آنرا تحریم می کنید .

ج - تحریم ، تحریم خواهد نمود .

س - پس انتخابات را تحریم خواهید نمود ؟

ج - من یک آدم مقرارتی هستم بد قطعاً نه های کنفرانس سران عرب گند خواهند اجرای انتخابات به دور از اشغال اسرائیل و زیر نظر سازمان ملل می باشد می باشد . بنا بر این در چهار وجوب قرارهای گذاشته شده حرکت خواهد کرد .

توافق نامه وجود دارد که با یستی مورد احترام قرار گیرد . این هر دو قطعاً به رسمیت بشناسد یکی از آنها خواهان برپایی کنفرانس بین المللی می باشد پس چرا به این کنفرانس نمی رویم ؟ چرا از رفتن خودداری می کنند ؟

آیا اسرائیل می تواند در برابر این کنفرانس غلبه نماید یا از حضور در آن خودداری کند ؟ آیا اسرائیل می تواند از رفتن به کنفرانسی که پنج عضو دائمی شورای امنیت و دیگر اطراف کشمش در آن حضور دارند ، خودداری کند ؟

س - آیا این به معنی آن است که موضع گیری های اسرائیل هیچگونه تاثیر بر جوامع اسرائیل و تحصیل کرده های اسرائیل نخواهد داشت ؟

عبارت دیگر مگر جوامع اسرائیل جزئی از محاسبات این بازی نمی باشد ؟

ج - چرا . . . تغییراتی در موضع گیری های جوامع اسرائیل وجود آمده است . . . برای مثال : هنگامی که خا خاام اعتراف می کند که دولت وجود دارد و ملت دوم باید یک رئیس برای خود انتخاب کند . مگر این به عنوان تغییر به حساب نمی آید ؟ هنگامی که شما س اعلام می کنید که حاضر است با حزب کاریک کابینه کوچک تشکیل دهد و ابتکار صلح را بدست گیرد . این تغییر نیست ؟ هنگامی که

فکری و استدلالی را کاملاً پذیراشم.

* * *

● هشدار

س - یکی از خوانندگان راه مجاهد اعلامیه‌ای تحت عنوان "مسلمانان اسپانیا را چه چیزی شکست داد؟" برای ما فرستاده است. در آنجا پس از بیان مختصری از تاریخچه فتح اسپانیا توسط طارق بن زیاد توضیح داده است که:

"حکام مسیحی در طول هشتصد سال حاکمیت مسلمین نتوانستند اسپانیا را از دست مسلمانان خارج سازند. تا اینکه بالاخره با خیانت یکی از افسران مسلمان بنام براق بن اعمار و همدست شدن او با آنها، مشروبات الکلی و دختران طناز را به بلاد مسلمین وارد کردند و نهایتاً "بارواج فحشاء" و بی بندوباری در میان جوانان مسلمان توانستند در آنجا رخنه کنند و از سرگرمی آنان به عیاشی و شهواتی استفاده کرده و پستهای حساس را بدست بگیرند" نویسنده نتیجه میگیرد که با توجه به این فاسد شدن مردم و مسئولین با یک حمله دشمنان، اسپانیا سقوط کرد در نهایت هشدار داده است که مواظب باشیم ایران را اندلس نکنند.

ج - با تشکر از زحمتی که خواننده گرامی کشیده اند این مطلب را برای ما فرستاده اند نکته‌ای را لازم به تذکر دیدیم. اولاً "هشدار شما کاملاً" جفا و مهم است و امیدواریم خفتگان و بی خبران را بیدار کند.

ثانیاً "اینکه دور شدن مسلمانها از دستورات اسلام و غرق شدن در مفسد و گناهان موجب سقوط حکومت اسلامی گردید، درست است. اما این دور شدن و عدول از دستورات اسلام تنها در مشروب خواری و فحشاء نبود. این مسائل خود معلول زیر پا گذاشتن اصول مهم و اساسی دین می باشد. سست شدن بنیان های ایمانی و اعتقادی جامعه و بی باس و انفعال خود زمینه ساز گسترش این مفسد میشود.

لذا برای اصلاح بایستی به ریشه‌ها و علل توجه داشت.

ثالثاً "علت اصلی رواج فساد در میان جامعه اسلامی گسترش وسائل و ابزار فساد نمی باشد. اگرچه اینها تا حدی موثر است. اما اگر افراد جامعه خود خواهان آن نباشند، مشروب و دختران طناز نمی توانند در آنها تاثیری بگذارند. کما اینکه در میان جامعه شرک و کفر که همه گونه وسائل فساد در آنجا مهیا است، می بینیم جریان اسلامی رشد می کند.

نهضت اسلامی در سالهای ۵۶ و ۵۷ بیش از همه در میان جوانانی که همه گونه

اما م خمینی هم در مورد احتکار، فقها را به ایشان ارجاع دادند.

نکته آخر اینکه ما خمینی با رها در مواضع عینی و آشکار و بخش خصوصی را تا حدی کرده بودند و حال آنکه آیت الله منتظری در یک نامه خصوصی به نخست وزیر این مسئله را مطرح کردند. دست های مرموزی این نامه را پخش و بیبا انگیزه های مختلف علم نمودند. جالب آن است که بخش کنندگان نامه مرموزی قسمتهای دیگر نامه که مربوط به زندانها بود هیچ مانور نمی دادند. در حالیکه در ایران بصری سرمایه داران بدون شلاق امکان ندارد تثبیت شود.

* * *

● توطئه فرهنگی و شیوه

مقایسه با آن

س ۲ - برادری طی نامه‌ای دلسوزانه تذکراتی در مورد توطئه‌ها و فرهنگی امپریالیسم و راه مبارزه با آن داده اند. چکیده‌ای از آن را در اینجا درج می‌کنیم که اگر گوش شنوایی باشد موثر افتد. می‌نویسند:

"... آمریکا با پخش برنامه‌ها و تلویزیونی و تغذیه گیرنده‌های سایر کشورهای جهان در صدد ایجاد دهکده جهانی است. ارسال و دریافت خبر با اینگونه وسایل (ماهواره) چنان سریع و سهولت می‌پذیرد که از سانسور نیز هیچ کاری ساخته نیست. گوی سبقت را کسی می‌ریابد که در ارائه اخبار و تحلیل و تفسیرها واقع بین تر، صادقانه تر و روشن‌تر از همه باشد و با وسعت نظر مردم را در جریان حوادث و وقایع قرار دهد...

... اما در رابطه با جمهوری اسلامی و رادیوهای بیگانه، متأسفانه انقلاب در این مرحله و در این مفاصل خلیسی ضعیف ظاهر شده، فقر اخبار و اطلاعات را دیو و تلویزیون و روزنامه‌های داخلی باعث معطوف شدن توجه مردم به رادیوهای و منابع بیگانه شده است.

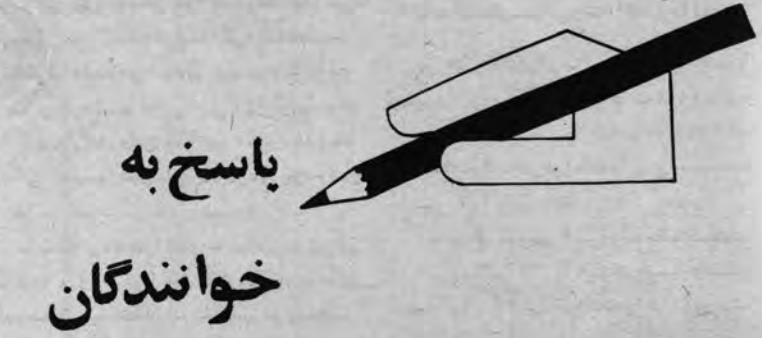
این تقصیر متوجه کسانی است که با اعمال تنگ نظری و جمود، موجب فقر اطلاعات و اخبار در داخل شده اند..."

* * *

● ارسال مقاله

س ۳ - اگر من مقاله‌ها نوشته‌ای برای شما بفرستم آیا آنرا در نشریه چاپ می‌کنید؟

ج - این سؤال تا بحال چندبار تکرار شده است. درج مطالب فرستاده شده مانع و مشکلی ندارد. البته مطلب بایستی در حدی باشد که برای خوانندگان مفید واقع شود. چنانچه جنبه تاریخی و اطلاعاتی دارد، حتماً "منابع و مأخذ" آنرا ذکر فرمائید. ضمناً "توهین و تاسا" به کسی با جریانی نباشد، ولی برخورد



روستاها و راه انداختن کشاورزی و دامداری... بکار اندازید.

ایشان چندین بار به دولت توصیه کردند که راهی از اقتصاد نفتی و تک محصولی راه هدف قرار داده و در جهت آن برنامهریزی کند.

با این وصف اگر یکبار به دولت توصیه می‌کنند که به بخش خصوصی امکان فعالیت بدهد با یاد آنرا در چهار چوب همان راهی از اقتصاد نفتی که اصل ثابت ایشان است در نظر گرفت.

بلحاظ اصولی هم در شرایطی که سرمایه‌داری وابسته و کمپرادور آزادی فعالیت در اقتصاد کشور متکی به محصولات کمپانیها و شرکتها می‌فرمایند است. درگیر شدن با بخش خصوصی داخلی یک امر انقلابی نیست.

اگر بخوایم با کمپرادور بیسم مبارزه کنیم باید در این مرحله سرمایه‌داری ملی را تحمل کرد. سرمایه‌داری ملی در برابر سرمایه‌داری وابسته مترقی و قابل دفاع است.

کسانی که آیت الله منتظری را بعنوان حامی بخش خصوصی مورد حمله قرار داده و موضع اقتصادی ایشان را راست می‌دانند، خود در دو قطبی کاذب اقتصاد دولتی - خصوصی گرفتارند. مواضع انقلابی ایشان در مورد راهی از اقتصاد نفتی و تکیه بر کشاورزی و اقتصاد روستایی، در دیدگاه آنان جای نداشته

و از کنار آن می‌گذرند. وضعیت فعلی روستاها، تراکم جمعیت بیکار، و مرموف کننده در شهرها، امروزه صحت مواضع آیت الله منتظری را بیشتر آشکار کرده است. ضمناً "توجه دارید، یکی از ویژگیهای بخش خصوصی احتکار کالا در آنها راست آیت الله منتظری آزادی عرضه - تقاضا را که در شکل، سمبل بخش خصوصی است قبول دارند ولی با جوی بخش خصوصی رایج که احتکار است شدیداً "مقایسه" نموده اند. ایشان بلحاظ فقهی احتکار را منحصر به چند قلم کالا نمیدانند بلکه عمومیت برای آن قائلند

● آیت الله منتظری و مسائل اقتصادی

س ۱ - شما که در نشریه‌تان از آقای منتظری اسم می‌برید، موضع ایشان را در مورد بخش خصوصی و بازار چه می‌گوئید؟ ایشان یکبار در نامه‌ای به دولت شدیداً "به اقتصاد دولتی حمله کرده بود در سخنرا نی‌ها هم از اینکه دولت دست مردم را باز نگذارد و کارهای اقتصادی و توزیع را بدست مردم بدهد دفاع کردند شما که از اسلام مستضعفین دم می‌زنید چگونه از این مواضع اقتصادی دفاع می‌کنید؟

ج - قبلاً هم عرض کردیم، تقاضا بخش خصوصی - دولتی یک دو قطبی کاذب است. چرا که هر دو به فروش نفت و واردات کالاهای خارجی متکی هستند. اختلاف بر سر اینکه محصولات کمپانیهای خارجی را چه کسی توزیع کند، تقاضا بحق و باطل با تقاضا استقلال و وابستگی نیست. بنا بر این در یک سیستم متکی به صادرات نفت و واردات خارجی طرفدار اقتصاد دولتی بودن یا خصوصی بودن هیچکدام ملاک مترقی بودن نیست.

اما در مورد آیت الله منتظری، اولاً: ایشان از ابتدای انقلاب تا حال بطور ثابت و مکرراً "روی یک نکته تأکید و تکیه داشته اند. آنهم خودکفایی و تقویت کشاورزی و اقتصاد روستایی است. برخورد ایشان با بخشهای مختلف اقتصادی، همه از موضع اقتصاد روستایی و خودکفایی است. مثلاً "در مورد سوئیسید ایشان می‌گفتند این نوع سوئیسید مصرف باعث مهاجرت روستائیان به شهرها می‌شود. یا به روستاها هم سوئیسید تولید بدهید، یا اینکه به شهرها هم بدهید تا روستاها خالی نشود.

در مورد مترو ایشان می‌گفت بجای هزینه کردن با بن پولهای کلان و متورم کردن شهرهای بزرگ که به انفعال منتهی می‌شود، این پولها را در راه آباد کردن

وسا ئل فساد دبرای آنها مهیا بود نضح گرفت . جه علتی داشت که جوانان خود دا طلبانه از فساد روی گردان شدند و اکنون باید تمامی هم و غم خود را این قرار دهیم که وسا ئل و مکانات فساد را از دسترس آنها دور نگه داریم ؟

بنظر میرسد سقوط اندلس معلول از دست رفتن همان عاملی بود که فتح اندلس را موجب شد . یعنی روحیه جهاد و شهادت و عشق به گسترش عدالت . و بعبارتی بسیج و در صحنه بودن مردم . طبیعی است که با منع جوانان از برداختن به نیاهای اصیل و فطری ، نیازهای غریزی و کاذب برایشان عمده میشود و عوامل فساد در میان آنها جذبات پیدا میکند .

امیدواریم ما از سر نوشت سایر ملل اسلامی درس گرفته و آن شکست هارا تجربه نکنیم . با از بین بردن روحیه جهاد و مخو آزادی های سیاسی و دینیک کلمه خارج کردن مردم از صحنه و مسیر اصلی زمینه را برای فساد و دشمنان انقلاب اسلامی آماده نکنیم .

● درد دل های یک بسیجی

س - برادری با امضاء بسیجی دل سوخته نامیما بهتر بگوئیم "رنجنا مسه" ای

فرستاده اند . با قلمی زیبا از سال ۴۲ حماسه انقلاب را رقم زده اند . برگزیده های اوسوزدلهای این بسیجی عاشق را می آوریم :

بس از ذکر قیام ۱۵م آرخداد و پیسر روزی انقلاب و همراهی همیشه جوانان بر شور با رهبری انقلاب به شرح جنگ می پردازد: " محصلین مدرسه عشق دروس هشت ساله خویش را فرامی گیرند و در بر تو آن به سلاح اسلام ناب محمدی مسلح می گردند ، آنان که خوب زیستند و خوب مردند ، آنان که مقام و پست دنیایی را فدای سمت سا زمانی آخرت نمودند و ما نیز می شناسند دشمنان نشان را . آنان که در هر مقطعی به آنها دهن کجی می نمودند و می نمایند ، به استهزاء می گرفتند و می گیرند ... جآنگاه که به بیانه های مختلف از حضور در پشت میز مدرسه عشق فراری بودند و در پشت میز اداره ترفیع پست سا زمانی جدید را جستجو می کردند یا مال پرستانی که با احتکام ما بحتاج خانواده های محصلین مدرسه عشق ، خرید خانه های ویلائی شمال شهر را رونق می بخشیدند . وجه غرب زدگانی که با نشو و نما کردن نغمه های شور را دیوهای بیگانه به ترویج فرهنگ فساد دوی بند و باری می برداختند ، وجه روشنگر مآبانی که با فنا تیک خواندن محصلین مدرسه

عشق شاهانه از مسئولیت خالی می نمودند وجه مذهبیون متحجر که با خلوت خویش از حقیقت جبهه نور غافل می گشتند و چه سیاستمداران که در پس خونهای پاک عزیزان مدرسه عشق مراتب رشد سیاسی خویش را با ارا شطرح مذاکره مستقیم و مکتوب هفته طی طریق می نمودند وجه آنان که تنها پذیرایی از امریکاساو اذنا بش را در ذهن تداعی میکردند و چه آنان که تنها هنر شان نق زدن بود و بس آنان را خوب می شناسند ...

تا بستان ۶۷ فرا میرسد با پذیرش زهر نامه ۵۹۸ و خون دل خوردن روح خنا مدرسه عشق در مقام بله با خصم زبون تعطیل می گردد و جبهه جدیدی را در برابر خویش گشوده می بیند . در این جبهه جدید دیگر صدای توپ و سفیر گلوله به گوش نغیرسد اینجا صحنه بیگانه را مروجین فرهنگ غربزدگی است ، متنادیان اسلام آمریکایی ، باز فاعظلبان و وزدگان ، بانان به نر خور زخورها ، با نفوذ بیهای مؤذی ، بانان که انقلابی امروز بند و کا تولیدک ترا با پ گشته اند ...

متاسفانه دستهای مرموزی سعیدارند که فرزندان حزب الهی را از صحنه های مختلف نظام کناره راندند و انقلاب را از درون با فرستادن نفوذ بیهای سائند یکی را با تند روخواندن و دیگری را موحی

و دیوانه خطاب کردن و آن یکی را ضد ولایت فقیه عنوان کردن ، و با به آنجا می رسانند که با کار دبر سینه اش تویارک لاله می کوبند ...

اما بداندنکه بسیجی زنده است و حاضر ... " چ - ضمن تشکرا ز برادر بسیجی دلسوز و پیوزش از اینکه مکان چاپ تمام نامه شان را انداشتیم . احساسات پاک و خالصانه شما هر خواننده ای را تحت تاثیر قرار می دهد .

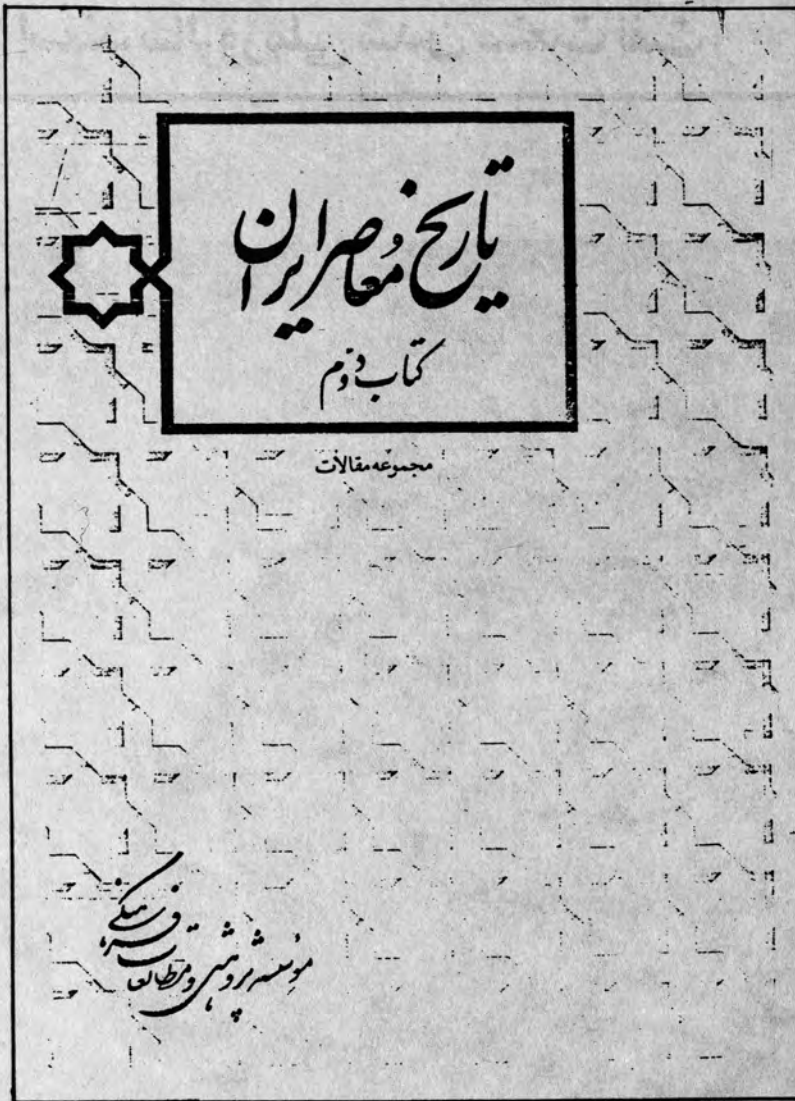
اما بنظر میرسد امروز با بدبا کیفیتی با لاتر و سلاخی کارما ز تر در جبهه جدید نبرد کرد . در برابر انحرافات و نسا رسائیهایی که بر شمرده اید بسدون داشتن سلاح مکتب و ایدئولوژی ناب و بی پیرایه اسلام محمدی نمی توان مقاومت کرد و ره به منزل مقصود برد . اگر با جمع بندی صحیح ز گذشته با چراغ مکتب حرکت نکنیم چه بسا در همین جبهه جدید خود نیز بسا انحرافی جدید دچا رشویم در برابر اقا ر دشمنانی که بر شمرده اید با سلاح مکتب دریا بسیم که کدما انحراف ریشه ای ترا وطنی تراست ، گره کار کجاست ؟ و از کجا باید آغا ز کنیم ؟ امیدواریم از دستا وردهای تان ما را هم بسی نصب نگذارید .

فهرست کتب قابل ارائه

در راه مجاهد شماره ۵۶ کتبی که موجود است معرفی شد و توضیح مختصری در مورد مطالب آنها داده شد . در این شماره با ردیگر لیست کتبی که موجود است را به جا می رسانیم . کتبی که به جای قیمت آنها علامت (*) گذاشته شده برای فروش موجود نیست . و در صورت نیاز به عنوان امانت برای شما پست می شود تا پس از مطالعه با کپی برداری حدا کثر دو هفته بعد آن را به آدرس مجله پست نمائید . لطفا جهت تهیه کتب زیر بسا آدرس مجله که در صفحه ۲ نقل شده تماس بگیرید . جهت ارسال وجوه خود تنها و تنها از شماره حساب مجله که در صفحه ۲ مجله آمده است استفا ده کنید .

- ۳۶- اسلام مکتب مبارز و مولد ۵۰ ریال * * * * *
- دوره ۸ ساله راه مجاهد
- دوره جلد شده راه مجاهد شماره ۱ الی ۵۲ (به استثناء ۱- ۱۷- ۲۸) ۱۵۰۰۰ ریال
- توجه
- "کسانیکه توان پرداخت بهای نشریه را ندارند ، با ما مکاتبه کنند تا نشریه بطور امانتی برایشان ارسال شود . * * * * *
- لطفا وجوه خود را از طریق پست مالی ارسال نفرمائید .
- کارت پستال
- کسانیکه مایل هستند کارت پستال عکس پشت جلد راه مجاهد شماره قبل (۶۰) را داشته باشند مبلغ مورد نظر را به شماره حساب مجله واریز و فیش آنرا برای ما ارسال دارند .
- عکس رنگی ۹×۱۳ با هزینه پست ۳۰۰ ریال
- عکس رنگی ۱۳×۱۸ " " " " ۱۰۰۰ ریال
- کارت پستال
- کسانیکه مایل هستند کارت پستال عکس پشت جلد راه مجاهد شماره قبل (۶۰) را داشته باشند مبلغ مورد نظر را به شماره حساب مجله واریز و فیش آنرا برای ما ارسال دارند .
- عکس رنگی ۹×۱۳ با هزینه پست ۳۰۰ ریال
- عکس رنگی ۱۳×۱۸ " " " " ۱۰۰۰ ریال

- ۶- منطق توحید (*)
- ۷- ویژگیهای انقلاب اسلامی ۴۰۰ ریال
- ۸- شیوه های محمد آقا (دو جلد) ۲۰۰ ریال
- ۹- سیاست گام به گام (*)
- ۱۰- تحلیلی بر کردستان (*)
- ۱۱- توطئه هایی که علیه انقلاب ایران صورت گرفت ۴۰۰ ریال
- ۱۲- تحلیلی از قیام ثبات شکن تبریز ۴۰۰ ریال
- ۱۳- قیام دوم تبریز ۲۰۰ ریال
- ۱۴- توطئه دو قطبی کاذب انقلاب ۲۰۰ ریال
- ۱۵- تحلیلی بر تصرف لانه جاسوسی ۵۰ ریال
- ۱۶- فرا زهای از زندگی شهید دکتتر سید حسین فاطمی (با چشمی گریان تقدیم به عشق) ۵۰۰ ریال
- ۱۷- جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع (دو شیوه برخورد) ۴۰۰ ریال
- ۱۸- کودتا و جنبش ملی ۵۰ ریال
- ۱۹- شهرام ، بهرام ، رجوی ۵۰ ریال
- ۲۰- خون حنیف می جوشد ، رجوی ...؟! ۵۰ ریال
- ۲۱- دانشگاه مدرسه یا انقلاب بنیادی در نظام آموزشی ۴۰۰ ریال
- ۲۲- استقلال ، آزادی ، حکومت اسلامی ۲۰۰ ریال
- ۲۳- انجمن حجتیه ، نسلی ما بسوس از حرکت و انقلاب ۶۰۰ ریال
- ۲۴- سه تکبیر تا قدس (*) ۲۰۰ ریال
- ۲۵- قرآن راهنمای عمل
- محکم و متشابیه (جلد ۱) (*)
- محکم و متشابیه (جلد ۲) (*)
- محکم و متشابیه (جلد ۳) (*)
- محکم و متشابیه (جلد ۴) (*)
- محکم و متشابیه (جلد ۵) (*)
- محکم و متشابیه در تحلیل جنگ ایران و عراق (جلد ۶) (*)
- از عوام مزدگی تا بسیج مستضعفین (ضمیمه ۲) (*)
- ۲۶- سنت الاولین و بدعت الاخرین (*)
- ۲۷- شیوه های ساواک ۴۰۰ ریال
- ۲۸- تحلیلی بر کودتای نا تودر ترکیه ۵۰ ریال
- ۲۹- مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم ۵۰ ریال
- ۳۰- فرا زهای از زندگی مجاهد شهید صمدیه لیا ف ۵۰ ریال
- ۳۱- بررسی بخشی از نظرات شهید دکتتر شریعتی (*)
- ۳۲- انحرافات انحراف را مستقیم نمی کند (*)
- ۳۳- خود سازی و مکتب ۲۰۰ ریال
- ۳۴- یادواره شهید مهدی آرزومند ۲۰۰ ریال
- ۳۵- کربلایی عباس نوحه پرداز انقلاب و شیربیشه جفا لوند (با دوا ره شهید عباس بروغنی) ۲۰۰ ریال



ناشران و نویسندگان محترم
می‌توانند جهت معرفی کتاب بهای منتشره
آثار خود را برای ما ارسال نمایند.

<p>اسناد:</p> <p>برگه‌هایی از تاریخ - محمد دهنوی. نگاهی به اسناد فراماسونری جعفر شریف‌امامی، تشکیل و تعطیل لژ بزرگ ایران - محسن جعفری. اهمیت و جایگاه اسناد تصویربرداری در تاریخ - واحد آرشو. دیدنی‌ترین عکس رضا خان - سه‌علی مددی. نسخه‌شناسی:</p> <p>سفرنامه هندوکشمیر و برمه - صفاالدین کاظمینی. سفرنامه علی‌رضا عضدالملک - عثبات - حسن مرسلوند.</p>	<p>استاذ:</p> <p>مقالات:</p> <p>نظارت هیئت مجتهدین: سیرت‌طور و اجرای اصل دوم مشتمل قانون اساسی در دوردوم - محمد ترکمان. ارتش ایران - ر. طوسی. قرارداد ۱۹۱۹ و تشکیل قشون متحدالشکل در ایران - کاوه بیات. خاستگاه تاریخی ایل قاجار - محقق قزوینی: خاطرات:</p> <p>کمیته مجازات - محمد رضا آشتیانی‌زاده خاطرات ملکه توران.</p>	<p>تاریخ معاصر ایران. جلد دوم. مجموعه مقالات ناشر: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. تیراژ: ۶۵۰۰ تاریخ انتشار: بهار ۱۳۶۹ قیمت: ۱۲۰۰ ریال</p> <p>موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی اقدام به چاپ سلسله مقالات و خاطرات و نسخه‌شناسی و اسنادی درباره تاریخ معاصر ایران نموده است. جلد نخست این تحقیقات دریا بیز ۱۳۶۸ به چاپ رسید. جلد دوم در بهار ۱۳۶۹ به چاپ رسیده و در کتابفروشی‌های معتبر قابل عرضه می‌باشد. فهرست این مجلد عبارت</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------



از کتاب "ما موریت برای وطنم"

محمد رضا شاه

از لحاظ روانشناسی بعضی اوقات گرفتن از بیخشدن دشوارتر است و در چند مورد متوجه شده‌ام که بعضی از کشورها که بتازگی استقلال یافته‌اند در اعتراف به دریافت کمکهای خارجی بسیاری حساسند. می‌دانیم که در دوره مصدق حس تنفر کودکانه‌ای نسبت به بیگانگان در نهاد ما ایجاد گردیده بود، ولی رویهم‌رفته تاریخ طولانی و مستمر این کشور در مابیک سعه صدور بلوغ فکری بوجود آورده است که برخی از کشورها از آن بهره‌مند نیستند. شاید بی جهت و تنها برسیبیل تصادف یا محامله نباشد که ایرانیان را "ملت متشخص" خاورمیانه لقب داده‌اند. وقتی مسئله‌ی کمک خارجی پیش آمد، تصویری کنمنشان داده‌باشیم که می‌توان کمک را با لطف و بزرگ‌منشی پذیرفت و با هوشمندی و درایت به مصرف رسانید.

جواب دکتر مصدق

ملت متشخص آن است دست‌گدائی مقابل بیگانگان دراز نکند و هر بیگانه‌ای هم محض رضای خدا کمک به کسی و یا به ملتی نمی‌کند. مگر اینکه بعد بخواهد از اشخاص و یا از آن ملت بهر طریق که می‌تواند سوء استفاده و یا حسن استفاده نماید. کمک‌هایی را هم که تاکنون کرده‌اند بجا و بموقع خرج نشده و قسمت مهمی از آن برخلاف هوشمندی و درایت در بانگهای خارجی تودیع شده است.